


زمان شکل‌گیری اتحاد و نشانه آن

 صبح به خیر. حضورم امشب در اینجا و ایستادن در این مکان مایهٔ سرافرازی است.

۲ امروز صبح در جاده که بودم... در روح دعا و منتظر خداوند بودم. در راه برای شنیدن پیغام برادر اسمیث رادیو را روشن کردم همان برادر رنگین‌پوست که از واعظان رادیویی است (آیا امروز صبح به سخنان او گوش دادید؟ کسی از میان شما؟) به نظرم در اوهاپو است. کسی از موعظه‌هایش برایم تعریف کرده بود و گفته بود: «باید حتماً رادیو را روشن کنی و سخنانش را بشنوی»، با همین لحن.

۳ امروز صبح که رادیو را روشن کردم برادر اسمیث صحبت می‌کردند. با صراحت تمام گفتند که امروزه گناه سراسر جهان را فرا گرفته است و او... و کمی پس از طی مسافتی یک ایستگاه رادیویی دیگر انتخاب کردم و مشغول شنیدن سخنان فرد دیگری شدم. به اینجا که رسیدم، می‌دانید، هنگامی که رسیدم از خود پرسیدم که آیا برای شرکت در این جلسهٔ بامدادی دیر نرسیده‌ام؟ بنابراین به راستی حضور امشب و پیشکاری در خدمت خداوند مایهٔ سرافرازی ماست.

۴ با برادر نویل دربارهٔ پیغامی که به آن خانم جوان داده شد، صحبت می‌کردم همان خواهرمان که به تازگی ما را ترک کرد. چنین شد، همهٔ ما می‌دانیم که منظور کیست، منظور خواهر ویور است. به آقایی فکر می‌کنم که قرار است امشب تعمیم بگیرد، آن خانم... من خود او را در همین استخر تعمیم دادم هنگامی که... باید او را با ویلچر به اینجا می‌آوردند. بر اثر سرطان در حال مرگ بود واپسین شب عمرش بود، پزشکان او را جواب کرده بودند، از قرار معلوم تا بامداد روز بعد بیشتر زنده نبود. به منزلش رفتم و سعی کردم در مورد شفای الهی با او صحبت کنم ولی پیوسته چنین تکرار می‌کرد: «لیاقت این را ندارم که زیر سقف من بیایی.» می‌گفت: «لیاقت این را ندارم که خادمی به منزل من بیاید.» گفت: «گناهکارم.» سپس گفت: «آقا، نمی‌خواهم در این وضعیت بمیرم.» عرضم به حضور شما کسی که مرا به آنجا برد گریس وبر است که جایی همین اطراف زندگی می‌کند. من تازه رسیده و به خاطر جلسات پی در پی، خسته بودم و وقتی آنجا برای او دعا کردم و کتاب مقدس را برایش خواندم، او نجات را پذیرفت. سپس با اینکه به سختی دستش را بالا می‌آورد می‌خواست با همه دست دهد. همان‌جا... اتفاقی برایش رخ داده بود.

۵ و هنگامی که دست می‌داد، در رؤیا دیدم که آن خانم به مرغداری می‌رود و برمی‌گردد. گفتم: «بسیار خوب، اکنون همه چیز خوب خواهد شد.» و اکنون هجده سال از آن ماجرا می‌گذرد. و از آن زمان او همیشه یک قدم جلوتر از سرطان گام برداشت. علت فوتش... به هیچ عنوان بر اثر سرطان نبود بلکه بر اثر یک حملهٔ قلبی درگذشت. او را زیر چادر اکسیژن گذاشتند، به دلیل حملهٔ قلبی از دنیا رفت.

۶ در پایان وقتی مردم هنگام خروج سرود آنگاه عیسی آمد را می خواندند، به فکر فرو رفته. دقیقاً همین طور هم شد، او خود آمد و آن هجده سال زندگی را به او عنایت کرد. به خود گفتم: «چقدر مناسب دارد.» شاید این بانو نمی دانست، باز در این دنیا چه کار می کرد. اما شاید هم می دانست. به هر روی خواندن سرود آنگاه عیسی آمد در آنجا بی مناسب نبود.

۷ اکنون این مطلب را پیش از آغاز سلسله جلساتی که امیدوارم پربرتک باشد، عنوان-عنوان می کنم. به راستی که سراسیمه هستم. امروز صبح با استرس فراوان دست و پنجه نرم می کردم پس رفته تا در خلوت دعا کنم. به اینجا بازگشته ام و در خانه هستم. خانواده را به آریزونا بردم و من... تا بچه ها بتوانند به مدرسه بروند. و صرفاً جهت کمی استراحت و شکار رفتن با برادر وود و دیگر برادران محلی به اینجا آمدم، قرار است هفته آینده به شکار برویم. قصد داریم به کنتاکی برویم. و من... بودم در... درست در روز درگذشت خانم ویور رسیدم و خوب بود که اینجا بودم تا بتوانم در آیین خاکسپاری به برادر نویل کمک کنم.

۸ و سعی نمی کنم... سعی می کنم در حضور افراد شاکی زیاد درباره اش صحبت نکنم. چون فکر می کنم یکی از وحشتناک ترین چیزها دیدن آقا یا خانمی است که مدام در حال نالیدن است. همیشه فکر می کردم: «خدایا مرا از این روحیه برحذر دار.» گفتمی است چنانکه می دانید چنین چیزی همواره ایمان را سست می کند. شما تنها-شما تنها... اگر شما-اگر شما... می دانم که هریک از ما با گذر زمان با مسائل و رخدادهایی بیش از پیش روبرو می شویم. می دانم که همین چیزهای کوچک با افزایش سن انباشته می شوند و گریزی از این امر نیست. اما معتقدم یکی از وحشتناک ترین چیزها این است که شیطان تاج زندگی کسی را بر سر گذارد و چنین آن فرد به پیرمردی بد اخلاق یا به پیرزنی بد خلق تبدیل می شود. امیدوارم کارم به چنین جایی نرسد. امیدوارم بتوانم بارهایی را تحمل کنم و به جایی برسم که... می خواهم زندگی ام با جلال خدا تاجگذاری شود؛ شکیبایی، مهربانی، آرامش فروتنی او و به سخنی زندگی ای سرشار از روح القدس.

۹ و من... یکی از اصلی ترین چیزهایی که همیشه در زندگی ام به من آسیب رسانده، عصبی بودنم است. همین که خستگی زیاد به سراغم می آید، حس سرگردانی به من دست می دهد. من... احساس می کنید هیچ کس به شما اهمیت نمی دهد، می دانید و- شما سراسر... چه بسا برای شما هم پیش آمده باشد. خوب من بیش از حد با این مسئله دست و پنجه نرم می کنم و می دانید گاهی بسیار طاقت فرسا می شود و به سختی می توانم... به قدری فشار زیاد است که این حالت به من دست می دهد. و بارها به ویژه هنگامی که همه این رویاها را می بینم به نقطه ای می رسم که خود تحت تأثیر قرار می گیرم. به یک نفر نگاه می کنم و از خود می پرسم: «آیا این یک رؤیا است. نه، نه، خیر چنین نیست. بله! چنین نیست؟» ملاحظه می کنید؟ و شما متوجه نیستید که چه بهایی برایش پرداخته می شود. پس آنجاست-آنجاست که آدمی درگیر پرسش ها می شود. سپس به این فکر می کنید که «خوب، شما... سپس به کنجی رفته

و می‌گوییم: «خوب مگر چه کرده‌ام؟ هم اینک پنجاه ساله هستم و هنوز هیچ کاری برای خداوند انجام نداده‌ام، دیگر پا به سن گذاشته‌ام. و چیست...؟ شگفتا.» چیزی را می‌گیریم... قبلاً به آن «آبی بودن» می‌گفتیم. برخی از شما برادران هم سن و سال من به یاد دارید که به آن «احساس آبی بودن» می‌گفتیم. پدرم در موردش صحبت می‌کرد و من از خود می‌پرسیدم که منظورش چیست اما حالا به راستی متوجه منظورش می‌شوم. چنین حسی پیدا می‌کنید در حالی که به راستی هیچ چیزی نیست، چنانکه خود می‌دانید این تنها تصور شماسست. متوجه هستید، خود می‌دانید که برخاسته از وجود شماسست.

۱۰ بنابراین سعی کردم آرامش خود را حفظ کنم و خود را برای حرکت تنها می‌بزرگی آماده کنم که امیدوارم به زودی رخ دهد. پس از گذراندن... به زودی باید برای برگزاری جلسات، یک کمپین... راهی نیویورک شوم. سپس به شروپورت رفته و بعد به فینیکس بازمی‌گردم. پس از آن از غرب برمی‌گردم... یعنی از مرز جنوبی ایالات متحده. و غیر از آن گفتنی است که برای رفتن به آن سوی دریا تدارک می‌بینیم، باشد که در اولین فرصت، پس از سال نو کاری در آنجا شروع کنیم، شاید در مارس یا آوریل یا در همان برههٔ زمانی، از استکهلم یا اسلو به سراسر دنیا می‌رویم و در صورت امکان برای سفر بعدی چنین برنامه‌ای داریم.

۱۱ و در حال حاضر برای استراحتی کوتاه، نفسی تازه گرفتن و بازسازی خود به خانه برگشتم. و به امید خدا برای شرکت در جلسهٔ کلیسایی یکشنبهٔ آینده، از کنتاکی باز خواهیم گشت. و اگر همه چیز خوب پیش رود و مورد پسند خداوند باشد و برادر نویل هم موافق باشند، سعی می‌کنم گرداندگی جلسهٔ یکشنبهٔ آینده را به عهده بگیرم، اگر خواست خداوند چنین باشد. اگر خداوند مانند برادر نویل موافق باشد، در حضور شما، در خدمت شما خواهیم بود. بله آقا، خدا به همان... اگر خدا مانند برادر نویل نظر مساعد در این باره داشته باشد. امیدوارم خواست او چنین باشد. چنانکه می‌دانید، قرار است به زودی به خواست خداوند برای مدتی چند از شما دور باشم.

۱۲ و من... تنها پیغام‌هایی کوتاه، هرگاه چیز کوچکی در قلبم قرار می‌گیرد، دوست دارم آن را برای شما بازگو کنم، می‌بینید و ما می‌توانیم در آن مشارکت داشته باشیم. اکنون چندین پیغام دارم، پنج یا شش مورد که همین چند روز اخیر به من داده شد. دو یا سه روز همین‌جا برای شکار سنجاب به دل طبیعت رفته بودم. به جنگل که می‌روم مداد و کاغذ با خود می‌برم. می‌دانید؟ هرگاه هوا روشن می‌شود به درختی در جایی تکیه می‌کنم. خوب اگر خوابم نبرد، به دعا می‌پردازم سپس خداوند چیزی به من می‌بخشد، همان‌جا هرچند کوتاه در موردش یادداشت‌برداری می‌کنم. متوجه منظورم می‌شوید، هرگاه چیزی را برای خود نگه می‌دارید و سپس شما... سپس به خانه برمی‌گردم همهٔ موارد را در دفترچهٔ خود بازنویسی می‌کنم. و هرگاه دعوت می‌شوم دفترچه یادداشت خود را برمی‌دارم تا ببینم با چه می‌توانم وارد مبحث مورد نظر بشوم. درست مانند آنچه همین حالا پیش آمده است.

۱۳ پس اکنون اگر خداوند بخواهد قصد دارم صرفاً سخنرانی خود را... هم اینک قصد

دارم... آن پیغام‌های طولانی و بلند که ساعت‌های درازی به خود اختصاص می‌دهند را کوتاه‌تر کنم. و خداوند مرا یاری کرد که در شیکاگو در آخرین شب سخنرانی کوتاهی داشته باشم، کمابیش سی دقیقه طول کشید. عزیزی آمد و گفت: «فکر نمی‌کردم بتوانید این کار را بکنید اما انجامش دادید!» گفتنی است به جای دو ساعت و نیم یا سه ساعت تنها سی دقیقه به طول انجامید. پس شاید امشب بتوانم سرعت به خرج داده و کمی تمرین کنم تا شما را زیاد ننگه ندارم.

۱۴ خدا به شما برکت دهد. البته هر جا که بروم باز هم هیچ جا مانند این خیمه نیست. به واقع اینجا خانهٔ من است، خانهٔ دلنشینم. همچنین از صمیم قلب با خانوادهٔ ویور ابراز همدردی می‌کنم. و برادر رنگین‌پوست گرانقدری که از دنیا رفت، کمی پیش از رفتنش با او دعا کردم، انسان وارسته‌ای بود. اکنون در آن سرای آسمانی با خداست، به فرجام رسید. سرانجام باید به طریقی راهی شد، همه این را می‌دانیم. پس ما... باشد که خداوند جان آنها را در آرامش مستریح سازد، ما نیز در انتظاریم روزی خود را در آن میهن آسمانی ببینیم، جایی که در آن از بیماری و غم و مرگ دیگر خبری نیست. تا آن زمان بیایید در راه انجیل بکوشیم و جهد کنیم.

۱۵ امروز صبح در مورد فشاری که حس می‌کنم، دعا کردم. البته اگر تحت فشار نبودید چه کار می‌کردید؟ به آن فکر کنید. فشار بخشی از زندگی است. این فکر که به سراغم آمد، کمی دلگرم شدم. اگر هیچ تنشی نداشته‌اید به عروسکی پارچه‌ای، عاری از هرگونه احساس می‌ماندید. هیچ چیز نمی‌توانست شما را به واکنش وادارد. مانند یک زن و شوهر، چه بسا زن بخواهد کاری انجام دهد و آنها هر دو تلاش کرده با هم کار کنند (به ویژه مسیحیان) و آن دیگری بخواهد... پس هرگاه با هم جمع می‌شوید تا... متوجه می‌شوید که خانمتان چه کار کرده است. خانم متوجه می‌شود... می‌بینید در واقع فشار شما را به هم نزدیک‌تر می‌کند. یکی به شما می‌گوید: «خوب»، می‌گوید: «به خانم نازنینت فکر کن که وقتی تو مهربانانه رفتار نکردی، او فشار زیادی متحمل شد. یا به شوهرت که وقتی تو با محبت رفتار نکردی فشار زیادی را تحمل کرد. و پس از آنکه همه چیز بخشیده شد ببینید چه احساسی نسبت به او دارید. اینجا به راستی تو...» می‌بینید باید با تنش و فشار روبرو شوید. همین است.

۱۶ کمی در مورد احساسات فکر کنید، اگر چیزی احساس نمی‌کردید، هیچ درد یا چیز دیگر چه می‌شد؟ و اگر اصلاً هیچ دردی وجود نداشت، چه می‌شد؟ شما به فردی عاری از هرگونه احساس مبدل می‌شدید. ملاحظه می‌کنید؟ اگر چیزی احساس نمی‌کردید یعنی یکی از حواس خود را از دست داده بودید. متوجه می‌شوید؟ بنابراین بدانید که همه چیز در نهایت برای خیریت است. پس: «خدایا، به ما فیض عطا کن تا در برابر آن بایستیم.» سخن از امری لازم و ضروری است. اگر به فیض خدا پایداری کنیم به آنجا می‌رسیم و می‌گوییم: «می‌دانیم که هرگاه این زندگی به سر رسد، زندگی دیگری هست که زیباست و در آن سو جاری است، همان جایی که قرار است رهسپار شویم.» پس به یاد می‌آوریم که همهٔ این چیزها تنش و فشار است.

۱۷ دسته‌ای سعی می‌کنند مسیحیت را چنین معرفی کنند که، «تو دیگر از مشکلات

آزاد هستی، شما... خیر، به هیچ روی. «تو دیگر از تنش رها شده‌ای.» خیر! بلکه با پیروی از مسیح به تنش‌ها افزوده هم می‌شود. زیرا قبلاً کمی بی‌خیالی طی می‌کردید، به قولی بی‌غم، هر چه پیش آید خوش آید، برایتان مهم نبود که چه می‌کنید.

۱۸ ولی هرگاه از پیروان راستین مسیح می‌شوید، هر دم از خود می‌پرسید: «آیا خداوند من خشنود است؟ ای کاش می‌توانستم بشنوم که او مرا مخاطب می‌سازد!» همین شما را وارد تنش و بی‌قراری می‌کند، باعث می‌شود حواستان باشد. از شما آنچه می‌سازد که هستید. از این گذشته، گفتنی است که تنش به واقع خود برکت است. تا از چه دریچه‌ای به مسائل بنگرید. تا چه دیدی نسبت به آن امر داشته باشید. ملاحظه می‌کنید؟ اگر از منظر دیگری به آن بنگرید، آن-آن... توجه کنید، هر قدر که نازک هم باشد، هر تراشه‌ای باز دو سمت دارد. پس باید هر دو سو را مدنظر داشت.

۱۹ پس تنش... به خود می‌گوییم: «عجبا، این... این فشار و تنش دیگر چیست؟ چه می‌شد اگر چنین به دنیا می‌آمدم که هیچ تنشی گریبانگیرم نمی‌شد.» خوب اگر تنش به سراغم نمی‌آمد دیگر آنچه هستم، نبودم. چه بسا پیرو مسیح هم نمی‌شدم. همین تنش مرا به سوی عیسی مسیح سوق داد. دقت می‌فرمایید؟ پس برای من مایه برکت بوده است.

۲۰ و چنانکه پولس گفت-جایی که تنشی داشت یا چیزی دیگر، خوب او سه بار از خداوند درخواست کرد تا آن مسئله از وی برداشته شود. ولی خداوند چنین پاسخ داد: «سائل، من... پولس فیض من تو را بس است.»

۲۱ او گفت: «پس در ضعف‌هایم جلال خواهم یافت. وقتی در ضعف هستم آنجاست که قوی هستم.» ملاحظه می‌کنید؟ تا هنگامی که در راستای خواست خدا باشد، نیکوست.

۲۲ هنگامی که آن امر چنان مرا می‌آزرد که دچار هراس شده بودم، در آن موقعیت یکبار از خداوند رأی جستیم. و حدود هشت یا ده سال پیش خداوند به من چنین فرمود: «این امر دیگر هرگز تو را به هراس نخواهد انداخت.» دیگر هرگز چنین نشد. خیر، آقا، دیگر به خاطر آن مسئله دچار هراس نمی‌شوم. حسش می‌کنم، می‌دانم که هست ولی به راه خود ادامه می‌دهم زیرا دیگر از آن هراسان نمی‌شوم- و از همین روی بسیار سپاسگزار هستم.

خوب، می‌توانست بگوید: «دیگر پیش نخواهد آمد.» تا اینکه: «دیگر دچار هراس نخواهی شد.»

۲۳ پس این خواست او بود که چنین بشود و من آن را با کمال میل می‌پذیرم و می‌گویم: «خداوند! سپاسگزارم، چنین پیش خواهم رفت.»

۲۴ اکنون لحظاتی برای دعا سرهای خود را خم کنیم. آیا درخواست ویژه‌ای برای دعا دارید؟ (می‌بینم که دستمال‌هایی گذاشته شده‌اند.) دست خود را بلند کنید. خداوند، هر یک از فرزندان خود را برکت عطا کن.

۲۵ ای پدر آسمانی ما، اکنون به تخت باشکوه و عظیم فیض و رحمت تو نزدیک می‌شویم زیرا به آنجا فراخوانده شده‌ایم. پس پیرو فراخوان عیسی مسیح آمده‌ایم. با

همه نگرانی‌هایی که بر ما سنگینی می‌کند، آمده‌ایم و همه را به او واگذار می‌کنیم زیرا او خود مراقب ماست. دانستن اینکه او خود از ما مراقبت می‌کند مایه دلگرمی ماست. بله، خدای بزرگ، خود کردگار از ما که آفریده دست او هستیم، مراقبت می‌کند. پروردگارا این ما را بی‌نهایت شادمان می‌سازد. این امر در همین روزگاری که چیزی-چیزی جز کلام نمی‌تواند مایه پشنگرمی ما باشد، ما را دلیر می‌سازد. پشت ما به نوید تو گرم است. و تو در وعده‌ات به ما فرمودی که درخواست خود را بیان کنیم و «هرآنچه در نام من درخواست کنید، آن را به جا خواهیم آورد.» و سخن از نویدهایی شگرف است همچون «بطلبید که خواهید یافت. به این کوه بگویید: «جا به جا شو» شک نکنید و جا به جا خواهد شد.» پس به قوت این وعده‌ها می‌توانیم درخواست‌هایمان را به دست آوریم.

۲۶ پروردگارا، دست‌هایی برافراشته شده‌اند، این عزیزان نیازهایی دارند. ای پدر، تو از نیازهای آنها آگاهی، از قبل از آنها خبر داری. دعاهای خود را همراه دعاهای ایشان به پیشگاه تو بلند می‌کنیم، دست من نیز همچون دست ایشان برافراشته است. اینجا بر روی این میز دستمال‌هایی قرار داده شده‌اند. خداوند این عزیزان ایمانی دلیرانه دارند... اقرار می‌کنم که قدرت دعا کردن برای بیماران، برکتی است که تو به من بخشیده‌ای. هر جا که باشم، به هر مکانی که بروم، همه جا چیزی در مورد دعا برای بیماران هست. پروردگارا، اینک امدادهای خود را عنایت فرما. با صداقت دعا می‌کنم که درخواست‌های عزیزانی که تمنا داشته و این دستمال‌ها را اینجا گذاشته‌اند را برآورده سازی. باشد که رحمت تو بر آنها قرار گیرد.

۲۷ خداوند، متوجه شدیم که خواهر هیکس خانمی را به اینجا آورده‌اند که راهی طولانی با هواپیما پیموده‌اند تا برایش دعا شود، سرطان دارند و خواسته بودند که ایشان را به اینجا بیاورند. خدایا، تمنا اینکه زندگی این عزیز را حفظ کنی، این را عطا فرما. برادرزاده کوچکم، نیکی، بیمار شده و استفراغ می‌کند، تب بالایی دارد، از پیش آنها می‌آیم. خداوند، باورمندم که آنجا به ایمان دعا کردیم و تو آن را متوقف کردی و من سپاسگزار هستم، حس کردم پیش از آنکه اتاق را ترک کنم تب پسر قطع شد.

۲۸ حال خداوند... از تو بابت تمام این امور سپاسگزارم. اینکه اعلام کلامت برعهده من است. ای خداوند، کلام خود را به ما ببخش. «کلام تو راستی است.» جان‌های ما را برکت ده و به ما همان فیضی که بدان نیازمندیم را عنایت فرما، عطا کن تا در این شامگاه از وعده‌های خدا که در کلام است، مستفیض شده در سراسر هفته پایداری کنیم، این را عنایت فرما. تمنا اینکه شبان ما، آن جان دلیر، همسر و فرزندان، شماسان، معتمدان و همین‌طور اشخاصی که وارد این تالار می‌شوند یا از آن خارج می‌شوند را مبارک سازی؛ ای پدر این را عطا کن. این برکات را در نام عیسی مسیح می‌طلبیم، آمین.

۲۹ اینک قصد دارم دو بخش از نگاهشده‌های مقدس خداوند را بخوانم. ابتدا قصد دارم از کتاب مزامیر، مزمور ۸۶ را قرائت کنم. و سپس از باب ۱۶ کتاب متی، آیات ۱ تا ۳

را خواهیم خواند. بخش کوتاهی از مزمور را می‌خوانم، نه کل آن را بلکه کمابیش تا آیه ۱۱ که کمی بیشتر از نصف آن باب است.

۳۰ می‌خواهم پیش از آغاز پیغام اعلام کنم که عنوان بحث چنین است: زمان شکل‌گیری اتحاد و نشانه آن. «نشانه زمان اتحاد» کمی پیچیده می‌نماید. سخن از اتحاد است، ملاحظه می‌کنید؟ زمان، زمان اتحاد و اینک در چنین برهه‌ای به سر می‌بریم. و نشانه این زمان اتحاد.

۳۱ در-در مزمور، دعای داود، مزمور ۸۶.

ای خداوند گوش خود را فراگرفته، مرا مستجاب فرما زیرا مسکین و نیازمند هستم.

جان مرا نگاه دار زیرا من متقی هستم. ای خدای من، بنده خود را که بر تو توکل دارد، نجات بده.

ای خداوند بر من کرم فرما زیرا که تمامی روز تو را می‌خوانم.

جان بنده خود را شادمان گردان زیرا ای خداوند جان خود را نزد تو برمی‌دارم.

زیرا تو ای خداوند، نیکو و غفار هستی و بسیار رحیم برای آنانی که تو را می‌خوانند.

ای خداوند دعای مرا اجابت فرما... به آواز تضرع من توجه نما.

در روز تنگی خود تو را خواهیم خواند زیرا که مرا مستجاب خواهی فرمود.

مگر دلنشین نیست؟ «مرا مستجاب خواهی فرمود.»

ای خداوند در میان خدایان مثل تو نیست و کاری مثل کارهای تو نی.

ای خداوند همه امت‌هایی که آفریده‌ای آمده، به حضور تو سجده خواهند کرد و نام تو را تمجید خواهند نمود.

زیرا که تو بزرگ هستی و کارهای عجیب می‌کنی. تو تنها خدا هستی.

حال گوش کنید:

ای خداوند طریق خود را به من بیاموز تا در راستی تو سالک شوم. دل مرا واحد ساز تا از نام تو ترسان باشم. (اتحاد! ملاحظه می‌کنید؟)... دل مرا واحد ساز تا از نام تو ترسان باشم.

۳۲ اینک در مورد اتحاد و نشانه زمان سخن می‌گوییم. اکنون باب ۱۶ انجیل متی:

آنگاه فریسیان و صدوقیان نزد او آمده... از روی امتحان از وی خواستند که آیتی آسمانی برای ایشان ظاهر سازد.

ایشان را جواب داد که در وقت عصر می‌گویید... هوا خوش خواهد بود زیرا آسمان سرخ است.

و صبحگاهان می‌گویید امروز هوا بد خواهد شد... زیرا که آسمان سرخ و گرفته است. ای ریاکاران می‌دانید صورت آسمان را تمییز دهید اما علامات زمان‌ها را نمی‌توانید؟

خداوند بر کات عطوفت بار خود را بر خوانش این کلام عطا کند.

۳۳ در مبحث خود به این اتحاد، زمان وقوع این اتحاد و نشانه اتحاد خواهیم پرداخت. توجه کنید، در آخرین خوانش نگاشته مقدس، عیسی آنجا حاضر شد و آن روحانیون که از بازشناختن زمان یا نشانه زمان فرومانده بودند را مورد سرزنش قرار داد. خوب، تمییز و تشخیص دادن نشانه زمانی که در آن به سر می‌بریم همواره برای مردم مهم بوده است، در حقیقت خدا آشکارا آن را نوشت مبدا کسی نسبت آن امر غفلت بورزد.

۳۴ خوب بیشتر با عقب‌گردی به گذشته مثال‌هایی از دیگر خادمان می‌زنم، خادمان خداوند در عصر کتاب مقدس (به عنوان مثال نشانه عصر نوح، نشانه زمان دانیال و... و همچنین دیگر نشانه‌ها) اما امشب جهت صرفه‌جویی در زمان از این کار صرف نظر می‌کنم، برای اینکه بتوانم... همواره روال خدا چنین بوده که به مردم نشانه‌ای طبیعی از زمان بدهد تا همه بدانند در چه زمانی به سر می‌برند. و آن دسته از فریسیان باید زمان خود را بازمی‌شناختند. باید می‌دانستند در چگونه زمانی به سر می‌برند. او خود در جایی فرمود: «اگر مرا شناخته بودید، باید روز مرا بازمی‌شناختید.» آیا ملاحظه می‌کنید؟ به راستی که درک چنین اموری برای ما بسیار مهم است. توجه کنید، «بدون قوه درک!»

۳۵ آنها همواره در خصوص انبیا می‌گفتند: «او به واسطه رؤیاهایی که از خداوند دریافت می‌کرد، صاحب بصیرت شده بود. و کلام خداوند بر انبیای روزگار کهن فرود می‌آمد.» دقت بفرمایید، مردم به واسطه کلام خداوند و حضور انبیا بصیرت به دست می‌آوردند. پس انبیا نشانه‌ای می‌دادند. به عنوان مثال مردی برای مدت زمانی مشخص بر روی یک پهلوی خود دراز می‌کشید، سپس به پهلوی دیگر برگشته و بر آن سمت دراز می‌کشید. مردی باید جامعه خود را برمی‌کند. و یا کارهای بسیاری می‌کردند تا نشانه روزگاری که در آن به سر می‌بردند، آشکار شود. و حال می‌دانیم که خدا آسمان‌ها و زمین را آفرید و به گونه‌ای به صنعت خود پرداخت که زمان‌های الهی به واسطه نشانه‌ها بازگو و آشکار شوند، امروز همان خدا زنده است. پس باید چنین باشیم... با-با دیدن روزگاری که در آن به سر می‌بریم، بی‌گمان چیزی هست که مردم در جایگاهی نسبت به آن غفلت می‌ورزند و از دیدن آن بازمی‌مانند. ملاحظه می‌کنید؟ زیرا خدا بی‌آنکه نشانه‌ای برای ما آشکار سازد هرگز اجازه نمی‌دهد این امور رخ دهد، خدا چنین می‌کند تا نسبت-نسبت به امور بصیرت پیدا کنیم.

۳۶ مشکل در اینجاست که ما خادمان خوانش درستی از این مسئله نداریم. این امر دقیقاً تداعی‌گر همان روزگار است، روحانیون باور نمی‌کردند که آن زمان فرارسیده است. آنها-آنها به خیال خود در صلح و صفا زندگی می‌کردند، و با این توصیف چشم به راه مسیح موعود نبودند. و عیسی گفت که بازگشتش درست «مانند دزد در نیمه‌شب» خواهد بود، در لحظه‌ای که افراد به فکر بازگشتش نیستند. اما شماری از باکره‌ها به

پیشوازش رفتند ولی تنها نیمی از آنها با داشتن روغن در چراغ‌ها به واقع آماده بودند، آن باکره‌ها برای دیدن آن نشانه کشیک می‌دادند. و امروز روی سخن من با چنین کسانی است، افرادی که اینک منتظر آن نشانه هستند و در اینجا سخن از نشانه بازگشت اوست.

۳۷ این نشانه‌ها که از جانب خداوند داده می‌شود، صرفاً به باورمندان بخشیده می‌شود. بی‌ایمانان هرگز آنها را نمی‌بینند. سراسر از فراز سر آنها می‌گذرد و نمی‌بینند. و اینک به همین سان چه بسا امشب یکی از فرشتگان خدا به راستی بر روی این سکو بایستد، به همان اندازه که به راستی به شما نگاه می‌کنم، بتوانم او را ببینم یا اصلاً شما بتوانید وی را ببینید ولی من نبینم یا اینکه من ببینم ولی شما نبینید. می‌دانید که این حرف با نگاشته‌های مقدس سازگاری دارد و حقیقت محض است. آنها دیدند... می‌دانید که هنگام به زمین خوردن پولس آنها... هیچ یک از افراد آن روشنایی الهی را ندیدند.

۳۸ گفتنی است که یحیی آنجا در برابر جمعیتی انبوه ایستاده بود و هزاران نفر کنار رودخانه در کنار اعضا هیئت روحانیون، خردمندان و رجال حضور داشتند. و یحیی در آن حال شهادت داده و گفت که روح خدا را دید که همچون کبوتری فرود آمد و بر بالای سر او قرار گرفت و همان‌جا آوازی گفت: «این پسر حبیب من است که از ساکن بودن در وی خشنودم.» و جدا از یحیی هیچ کس دیگر آن روشنایی را ندید. آیا می‌بینید؟ تنها برای او بود و بس.

۳۹ هیچ دقت کرده‌اید که نشانه‌ای که مغان را مخاطب ساخت، تا چه اندازه چشمگیر بود؟ آنها نگاه کردند، بود... آنها عبرانی بودند. در واقع ستاره‌شناس هندی نبودند، از عبرانیانی بودند که برای فراگیری ستاره‌شناسی و تکمیل درس‌های خود به آن سرزمین رفته بودند. و به سوی اورشلیم... که نگاه کردند، با علم بر اینکه رؤیت آن سه ستاره با شاخه تولد هریک از آنها همخوانی داشت، شاخهٔ حام، سام و یافث یعنی ریشه‌ای که از آن برآمده بودند، آنها ستارگان شاخهٔ تولد خود را رؤیت کردند. و این امر برای آنها در حکم نشانه بود؛ در یک راستا قرار گرفتن آن ستارگان بدین مفهوم بود که مسیح در این کرهٔ خاکی حضور یافته بود.

۴۰ چه شکوهمند است! پس شگفت‌آور نیست که مغان پرسیده باشند: «او کجاست؟» پادشاه یهود که به دنیا آمده، کجاست؟ ما ستاره‌اش را در خاور دیدیم و برای پرستش او آمده‌ایم. او کجاست؟» بر آنها روشن بود که مسیح کوچک جایی خوابیده است زیرا خدا به آنها نشانهٔ زمان را داده و ذکر کرده بود که زمان یکی شدن و به هم پیوستن خدا و انسان فرارسیده است. چه اتحاد و پیوند مبارکی بود، آن هنگام که خدا خویشتن را با یک تن انسانی یگانه ساخت! در اصل والاترین اتحادی که تا کنون شکل گرفته، همین یگانگی میان خدا و آدمی است، او در جایگاه خدا نژاد پر جلال خویش را ترک گفت و خیمهٔ خویش را گستراند و بشریت را برگرفت و یکی از آنها شد تا آنها را رهایی دهد. یگانگی و وصال، به چه مفهوم؟ آنچه خدا و آدمی را با هم آشتی داد. چه قدر از این بابت سپاسگزار هستیم.

۴۱ و نشانه‌ها فرستاده نشده بود... حال تأمل کنید، مقیاس زمانی مردمان، اخترشناسان و افراد آن روزگار، همان ستارگان بود. دیده‌بان به بالای برجی می‌رفت، بالا می‌رفت و همان‌جا به مشاهده و دیده‌بانی می‌پرداخت. با دیدن حرکت ستارگان در صورت‌های فلکی ساعت و زمان را تشخیص می‌داد. به یاد دارید که در نگاهت‌های مقدس: «دیده‌بان، ساعت چند است؟» و آن دیده‌بان به او رو کرده ساعت را بازگو می‌کرد. چنانکه دقت کنید، آنها با دیدن ستارگان ساعت و زمان را تشخیص می‌دادند.

۴۲ حال تعجبی ندارد که در یک راستا قرار گرفتن ستارگان به طور یکسره تنها برای آن سه مرد برجسته شده باشد در حالی که هیچ شخص دیگری متوجه آن پدیده نشد؟ آیا ملاحظه می‌کنید؟ سراسر در یک راستا قرار گرفته بودند. حال این می‌تواند در راستای نگاهت‌های مقدس باشد. توجه می‌کنید؟ هنگامی که آن ستارگان به هم می‌پیوستند و با هم جمع می‌شدند تا آن صور فلکی را پدید آورند، در همان لحظه سه مرد با هم متحد شدند. ما هم می‌توانیم چنان در فضای کلام الهی با خدا یکی شویم که این چیزها به واقعیت تبدیل شوند، می‌توان آن امور را دید و دریافت که واقعی هستند. آیا دقت می‌کنید؟ بله این همان نشانهٔ زمان است! ولی می‌شود با وجود دیدن آن امر، در حالت غفلت به این سخن بسنده کنیم که: «این چیزها جهالت است!»

۴۳ اما برای شما بی‌معنا و جهالت نیست. بر شما روشن است که به کلام متصل گشته و به بیانی به یگانگی با کلام نائل شده‌اید، پس حضور آن امر فرخنده برای شما امری ملموس است. پس این-این خود در حکم روشنایی محض است، برادر پت، هرگاه-هرگاه-هرگاه- هرگاه می‌بینیم که این نشانه‌ها با باورمندان یکی می‌شوند. و روی سخن من با همین باورمندان است، با ایماندار زیرا بی‌ایمان هرگز آن را رؤیت نخواهد کرد. و اگر امروز او خود بر روی زمین بود چه توبیخی شامل حال بسیاری از روحانیون امروز می‌شد که نمی‌توانند آن نشانه را دریابند، نشانه‌هایی که ما هر روز اینجا در خیمه دریافت می‌کنیم و همین اموری که به چشم خود می‌بینیم. البته دسته دیگری هم هستند که هم اینک موضوع را درمی‌یابند و آن دست‌نگاشته بر روی دیوار را می‌بینند ولی بسیاری اعتنا نکرده و اصلاً این نشانه‌ها را نمی‌بینند. از دید این افراد موضوع جالبی نیست و اصلاً به چشمشان هم نمی‌آید.

۴۴ اکنون توجه کنید، همان‌جا خداوند-خداوند نشانه‌های ملی برایشان نمایان ساخت. چنانکه پیداست آنها از خداوند در این باره چیزهایی پرسیده بودند، آنها نشانه‌هایی می‌خواستند، او به مردم نشانه‌هایی داد که سرانجام تحقق یافتند. آنها می‌خواستند بدانند زمان انقضا دنیا کی خواهد بود و به همین ترتیب انقضا زمان چه نشانه‌ای خواهد داشت. و او برای آنها چندین بخش از کتاب مقدس را یاد کرد، در آن بخش‌های کتاب مقدس سخن از نشانه‌های ملی، نشانه‌های سماوی در آسمان‌ها و نشانه‌های زمینی بود؛ او به آنها نشانه‌هایی داد، یک نشانه، چندین نشانه، پیوسته سخن از نشانه است. هنگامی که... در آن مکان، در آن مکان خاص با آنها از نشانه‌ای ملی سخن گفت. در همان راستا فرمود: «وقتی قوم‌ها را می‌بینید،» توجه کنید «که گرد اورشلیم جمع می‌شوند،» بر شما روشن خواهد شد که زمان تنگنا فرارسیده است، «وقتی می‌بینید

که اورشلیم به دست لشکری محاصره شده است.»

۴۵ حال پیش از آنکه آنها بتوانند این کار را بکنند، خدا... دنیا باید با هم متحد و جمع شده و به یکپارچگی برسد. چنانکه پیداست پس از آنکه یهودیان آن نشانهٔ زمان که خدا بر آنها آشکار ساخته بود را مردود شمردند، تیتوس آن سردار بزرگ رومی، باید برای رسیدن به آنجا نخست لشکریان خود را متحد کرده و گرد هم می‌آورد. او پس از گرد هم آوردن نیروهای خود آمد و شهر را گرفت. پیش از آنکه ملت بتواند به ضد قوم خدا متحد و همدست شوند، باید نخست قوم (خودخوانده) خدا در روند اتحادی در تقابل با خدا قرار گرفته باشد. چنانکه ملاحظه می‌کنید، اینجا-اینجا-در اینجا سخن از اتحاد و متحد شدن است، به سخنی گردهمایی و همدست شدن.

۴۶ معتقدم در زمانی به سر می‌بریم که شاهد شکل‌گیری چنین اتحادی فراگیر هستیم. به این چراغ‌های قرمز، این علائم چشمک‌زن و همه چیز (زان و روبه‌ای که در پیش گرفته‌اند، مردان و رویکردی که از خود نشان می‌دهند، کلیساها و نحوهٔ عملکرد آنها) اشاره می‌کنم به این جمع کوچک خاطر نشان می‌سازم که با همهٔ وجود خود باور دارم که در این ساعت نبوتی، درست پیش از بازگشت خداوند عیسی، در حال همسو شدن و هماهنگ شدن با کلام خدا هستیم، ما با هم یک شده و اینک آماده می‌شویم.

۴۷ خوب چنانکه می‌بینید، پیش از اینکه تیتوس قوم‌ها را متحد سازد... لشکر خود را دوباره متحد سازد، بنی‌اسرائیل به نوعی به وحدت دست یافته بود، آنها حاضر نشده بودند عیسی را به عنوان مسیح بپذیرند. آنها وی را رد کرده، از خود رانده و به صلیب کشیده بودند. آنها پس از مردود شمردن رستگاری که نزدشان فرستاده شده بود، برای انجام آن کار متحد شدند. حال این را خوب در نظر داشته باشید؛ هم بین خود اتحادی شکل دادند و هم در همان راستا پیغام آن ساعت را مردود شمردند! باید چنین می‌کردند. و پس از این اقدام بود که نشانهٔ ملی به میان آمد.

۴۸ بدین ترتیب، ملت‌های غیریهودی در راستای اتحاد گام برداشتند آنگاه تیتوس ارتشی بزرگ متشکل از رومیان و یونانیان را رهبری کرد و با محاصرهٔ دیوار شهر اورشلیم، مردم را در آنجا زندانی کرد و آنها چنین آنجا از گرسنگی جان می‌دادند. کار به جایی کشید که آنها پوستهٔ درختان را می‌خوردند. این چیزی است که یوسف، تاریخ‌نگار بنام، برای ما گزارش کرد. و آنها علف روییده از زمین را می‌خوردند. حتی فرزندان یکدیگر را پخته و می‌خوردند، می‌بینید که آن مردمان عقل خود را از دست داده بودند. هنگامی که سرانجام تیتوس آنجا در پیرامون اورشلیم، بر تپه‌ها مستقر شد مردمی که آن داخل بودند با دیدن لشکری که به آنها حمله‌ور می‌شد، خیال می‌کردند که خواست خدا را جاری می‌سازند. آنها از گوش دادن به خداوند عیسی، آن استاد بزرگ که از وقوع این امور به آنها گفته بود، سر باز زده بودند.

۴۹ حتی یکی از پیروان مسیح در آنجا به دام نیفتاد زیرا آنها با دیدن آن نشانه‌ها نقل مکان کرده بودند. ملاحظه می‌کنید؟ آنها گفتند: «هر که بالای بام باشد به زیر نیاید، هر که در راه باشد برای برداشتن ردای خود به عقب بازنگردد بلکه به یهودیه بگریزد و

دعا کنید که فرار شما در زمستان و در روز سبت نباشد.» در حقیقت در زمستان تپه‌ها سراسر پوشیده از برف می‌شدند و در روز سبت در، درها در واقع دروازه را می‌بستند، در چنین شرایطی آنها در آنجا گرفتار می‌شدند. ملاحظه می‌کنید؟ اگر خداوند بخواهد به زودی در موردش صحبت خواهیم کرد، به... به شکلی که خدا عمل کرد.

۵۰ حال توجه کنید، او... آنها دعا کردند که... چنین پیش نیاید، عیسی به آنها گفته بود که برای آن دعا کنند و حتی یکی از آنها هم آنجا گرفتار نشد. آنها دعا کردند زیرا نشانه را دیده بودند و سپس راهی شدند؛ چه زمان اتحاد و همدلی بود!

۵۱ پس شایسته است کلیساها امروز نشانه‌ زمانی که در آن به سر می‌بریم را ببینند! شرط برخوردار شدن از زندگی الهی و رهایی جان همان است که بی‌درنگ به سوی جلجتا بگریزید، نه به سمت کلیسا بلکه به سوی عیسی مسیح. با خود او و نه با یک سازمان یا یک اعتقادنامه‌ کلیسایی یکی و متحد شوید، به یگانگی با عیسی نائل شوید ولی پیش‌تر اطمینان حاصل کنید که به واقع با خود عیسی یکی می‌شوید. نمی‌شود هر چیزی را پذیرفت. باید اطمینان حاصل کنید که به راستی این خود عیساست. آن زمان و وصال فرخنده!

۵۲ پس چنانکه می‌بینیم مردم آن روزگار مسیح را رد کردند، آنها با هم متحد و هم‌پیمان شدند و یک... بین خود جنبشی تشکیل دادند و اعلام کردند که افرادی که عیسی را به عنوان نبی بپذیرند از جانب کلیسا تکفیر می‌شوند. آیا آن پسر کور و نابینا که آورده بودند را به یاد دارید؟ و شاگردان پرسیده بودند: «چه کسی گناه کرده است؟ خودش، پدرش یا مادرش؟»

۵۳ و عیسی گفت: «در این مورد نه خودش، نه دیگری بلکه برای این است که اعمال خدا جاری شده، آشکار و شناسانده گردد.»

۵۴ و به یاد دارید که به گفته مردم پدر و مادر آن پسر نمی‌توانستند چیزی بگویند. گفته بودند: «می‌دانیم که پسر ماست اما نمی‌دانیم چطور شفا یافته است.» یهودیان اعلام کرده بودند که تمام کسانی که اعتراف کنند که او نبی است، تکفیر خواهد شد.

۵۵ ولی چنانکه دقت کنید اعمال خدا چنین بود که آن پسر عضو آن مجموعه نبود. پس چنین پاسخ داد: «عجیب است که شما نمی‌دانید این مرد از کجاست و حال آنکه او به من بینایی بخشید.» ملاحظه می‌کنید؟ خوب در آن جایگاه بود که چنین به حرفشان پاسخ دهد. دقت کنید، این کار خدا بود. آن پسر شفا یافته و تندرست شده بود، پس در آن -در آن جایگاه بود که چنین سخنی به زبان براند زیرا یوغ تعلق به یک محفل بر گردنش نبود. کارهای خدا در شخص خود او محقق شده بود و به یقین او... برای نخستین بار در زندگی خود می‌توانست ببیند.

۵۶ پس یهودیان به ضد عیسی، در مخالفت با کارهای مسیح و پیغام مسیحایی‌اش متحد و همدست شده بودند. ما هم اینک شاهد چنین روندی هستیم، دقیقاً همان امر در حال شکل‌گیری است. کمونیسم با هدف ویران کردن کلیسا یکپارچه می‌شود و تنها راهی که... آن امر، پس از متحد و همگام شدن کلیسا در قالب شورای کلیساها، در قالب

شورای جهانی کلیساها برای زیر سؤال بردن و حذف پیغام، به بیانی خود کلام، روی می‌دهد! کلیساها کلام را رد کردند، این رویکردی است که کلیساها در پیش گرفتند. کلیساها نمی‌توانند کلام خدا را بپذیرند زیرا با اعتقادنامه‌های فرقه‌ای آنها ناسازگار است. مهم نیست چندین بار ستون آتش بر فراز ما... معلق شده، بین جماعت ما یا چند نفر... مهم نیست چه مواردی اخبار و محقق می‌شوند و با وجود تمام نشانه‌های شگرفی که خدا برای روز واپسین وعده داد، باز برای آنها پذیرفتنی نیست.

۵۷ اینک کلیساها متحد و همگام می‌شوند، شبان شما در اینجا، بسیاری از عزیزان دیگر و افراد اهل مطالعه می‌توانند آن را به شما نشان دهند، آنها... کلیساها جنبش جهانی دنیا را به راه انداختند. ... ریاست آن جنبش را خادمی لوتری عهده‌دار شد. پس اگر زمانی سانحه و فاجعه‌ای در این حوالی، همین اطراف رخ دهد اگر در جنبش جهانی متحد نباشیم کلیسای ما دیگر کلیسا به حساب نخواهد آمد و می‌تواند از آن به عنوان انبار استفاده کنند. یا اگر یکی از برادران کسی را در بستر مرگ یا آسیب‌دیده ببیند و بخواهد با برکتی روحانی وی را خدمت کند، چه بسا به خاطر همین ترور شویم، کاملاً درست است. چه بسا به خاطر هرگونه خدمتی ده سال زندان فدرال داشته باشیم زیرا عضو جنبش جهانی نیستیم. مگر هم اینک علامت وحش نمایان نیست؟ ملاحظه می‌کنید؟ توجه دارید؟

۵۸ اکنون فرارسیدن زمان اتحاد را مشاهده می‌کنیم. دقت می‌کنید؟ حال توجه کنید! آنجا کلیسا در راستای مخالفت با پیغام متحد می‌شود پس از تحقق این امر، ملت‌ها باز در قالب کمونیسیم برای دوباره نابود کردن کلیسا متحد می‌شوند، دقیقاً چنانکه در گذشته عمل کرده بودند. ملاحظه می‌کنید؟ این امر دوباره تکرار می‌شود.

۵۹ بنی‌اسرائیل باید در بدو امر پیغام را رد می‌کرد. پس از اینکه بنی‌اسرائیل پیغام را رد کرد آنگاه نیروهای مسلح و حیات ملی (با دیگر قوم‌ها) برای نابود کردن کلیسا متحد شده و آمدند. امروز نیز پیغام خداوند عیسی را رد کرده‌اند، آنها پیغام را مردود شمرده‌اند. و حال هنگام آن فرارسیده که کمونیسیم دنیا را به ضد کلیسا متحد و متفق سازد. می‌بینید، باید چنین باشد. البته که گفتنش سخت است.

۶۰ برای یهودیان هم باورش سخت بود. می‌گفتند: «حال بیابید، برادران چنان-که پیداست، خدا-خدا را ما با ماست پس-پس به هیکل خواهیم رفت. حال دعا خواهیم کرد، پدر مقدس فلانی و چنان و پدر مقدس بهمانی ما را در دعا هدایت می‌کند. دروازه را ببندید!» و در این حال تیتوس موضع گرفت و کمابیش یک سال و اندی همان‌جا مستقر شد. می‌بینید، نیروهایی را برای کشیک دادن گماشت و گذاشت آنها از گرسنگی بمیرند. مردم نتوانستند از شهر خارج شوند پس از گرسنگی مردند، از گرسنگی جان دادند. او به محض ورود به شهر دیوارها را واژگون ساخت، خون فوران کرد و همچون سیل روان شد، او هرآنچه می‌یافت را سلاخی می‌کرد.

۶۱ خوب فرشته‌ی خداوند در عهد عتیق آن را نبوت کرده و گفته بود که چنین خواهد شد. و آن خادمان که در هیئت روحانیان عضویت داشتند باید از امور آگاه می‌شدند تا مردم را آگاه سازند ولی چنانکه پیداست عکس قضیه اتفاق افتاد زیرا هنگامی که عیسی

در میان مردم حاضر شد، آنها نه تنها عیسی را نشناختند بلکه کوشیدند وی-وی را... به اصطلاح نوعی پای خرگوش معرفی کنند: «برای ما یک هیکل بنا کن، خواهیم دید که چطور درست می‌شود! برای ما نشانه‌ای نمایان ساز.» ملاحظه می‌کنید؟

و او پاسخ داد: «من...» با وجود اینکه اعمال بسیاری را به جا آورده بود، با این حال نتوانستند آن را ببینند. ملاحظه می‌کنید؟ و سپس او که پیغام آن عصر بود... را رد کردند، آنها پیغام آن ساعت را رد کردند.

۶۲ آنها نشانه آن زمانه را ندیدند. نشانه نبوت کتاب مقدسی در-در برابر آنان محقق شده بود ولی گفتند: «کنون وارد هیکل شویم!» آنها مردانی مقدس بودند. افرادی بودند که نمی‌توانستید از زندگی آنها خرده‌ای بگیرید. نمی‌توانستند چنین باشند و-و باز کاهن باشند. کاهن می‌توانست کشته شود، برای هر چیز کوچک می‌توانست سنگسار شود. پس باید زندگی پاک و مقدسی می‌داشت. نمی‌توانست به دلخواه خود رفتار کند وگرنه ممکن بود به خاطر یک مسئله کوچک سنگسارش کنند. و خوب آنها از دید مردم انسان‌هایی بزرگوار و مردانی مقدس بودند ولی با این حال آمده و گفتند: «اینک، می‌خواهیم... ما خدا را داریم، همان خدایی که در همه اعصار کنار ما بوده است. ما به هیکل مقدس او داخل می‌شویم.» این هیکل مقدس خدا بود! ملاحظه می‌کنید؟ اما می‌بینید که خدا به هیکل مقدس خود پشت کرده بود. توجه می‌کنید؟ «ما وارد خانه خداوند می‌شویم. ای عبرانیان همه شما می‌دانید ما طایفه برگزیده هستیم، ما چنین هستیم. و خدا خدای ماست، خدای ابراهیم، اسحاق و یعقوب. او با ما است. او ما را از دست این فلسطینیان نامختون (می‌توان آنها را چنین نامید) آن رومیان و یونانیان رهایی خواهد بخشید. ما را خواهد رها کند. پس بیایید وارد خانه خداوند شویم!»

۶۳ گویی فکر خوبی بود ولی عملکردشان در گذشته چه بود؟ بناکننده خانه رأساً در کسوت نجاری فقیر از جلیل در آنجا حاضر شده بود، و با اینکه خدا تأیید کرده بود که او پیغام‌آور آن ساعت و همان شاخه الهی است. مردم او را رد کرده بودند. پس همه دعاها، صدقه‌ها و قربانی‌های مردم از نظر خدا هیچ معنایی نداشت. آنها چنین رویکردی از خود نشان داده بودند! و خدا هم گذاشت این ارتش بزرگ برای نابودی آن با هم متحد شوند.

۶۴ و امروزه می‌بینیم که کلیساها در قالب مجموعه‌های فرقه‌ای و غیره، کلام خدا را رد می‌کنند. اصلاً حاضر نیستند در این باب از شما سخنی بشنوند، هرچند علم از طریق عکس‌ها و چیزهایی از این دست مؤید آن امر است ولی باز هم نمی‌خواهند با آن کاری داشته باشند. پس کمونیسم شکل می‌گیرد تا آن را نابود سازد، به بیانی همان کار را انجام می‌دهد که تیتوس در گذشته کرد به گفته کتاب چنین خواهند کرد. دقیقاً!

۶۵ حال، می‌بینید در چه مقطعی زندگی می‌کنیم؟ زمان اتحاد، در روزگاری به سر می‌بریم که شاهد شکل‌گیری روندهای اتحاد و یکپارچه‌سازی امور هستیم. ولی چرا از دریافت این چیزها غافل می‌شویم؟ می‌توانید-می‌توانید اینجا به نگاشته مقدس مراجعه کنید و جایی که او وعده داد را ببینید، همچنین آنچه که او انجام می‌دهد را. هم اینک

روند تحقق آن امر را به چشم می‌بینیم. آنچه او وعده انجامش در کلیسا داد را می‌بینیم، چنانکه ملاحظه می‌کنیم این امر در حال تحقق است. شکل‌گیری اتحاد در میان ملت‌ها را می‌بینیم. شاهد اتحاد بین گرایش‌ها هستیم. می‌بینیم که کلیساها متحد می‌شوند. پس زمان اتحاد فرارسیده است. ساعت یکی شدن فرارسیده است. این روح این دوره است «با هم متحد شده‌ایم.» هرآنچه در موردش صحبت می‌کنیم باید قالب سازمانی به خود گیرد و گرنه دولتمردان حاضر به پذیرشش نخواهند شد.

۶۶ می‌دانید، به عنوان یک شهروند... نمی‌توانم به عنوان یک شهروند، به عنوان یک شهروند آمریکا، هنوز هم من-من... اگر به من یک چک پنج دلاری بدهید جرأت نمی‌کنم نام خود را روی آن بنویسم. بله. می‌بینید، نمی‌توانم چنین بکنم. توجه کنید، این زمان اتحاد است. همه چیز باید در قالب اتحاد پیش رود و آن اتحاد و یگانگی باعث ظهور علامت وحش خواهد شد. آیا ملاحظه می‌کنید؟ این زمان شکل‌گیری اتحاد است و همه چیز در این راستا پیش می‌رود. می‌توانید با چشمان خود آن را ببینید، کافی است نگاه کنید. زمان شکل‌گیری اتحاد است، به سخی زمان شکل‌گیری گردهمایی‌ها و اتحادهای فراگیر است.

۶۷ یهودیان-یهودیان به ضد عیسی که مسیح موعودشان بود، با هم متحد و همدست شدند. و در پس آن امر دیدیم چه شد. اکنون نیز همان مسئله را می‌بینیم، پس از اینکه کلیساها در شورای جهانی کلیساها با هم یکی شوند و برای از بین بردن پیغام و کلام خدا به تکاپو افتند، کمونیسم برای نابود کردن کلیسا متحد و یکپارچه می‌شود. بر آن هستند که پیغام را حذف کنند. برای نیل به این هدف تنها می‌توانند در قالب یک شورا درآیند زیرا گروه‌هایی جدا از هم هستند؛ گروهی کوچک در اینجا، متدیست‌ها، باپتیست‌ها، لوتری‌ها و مشایخی‌ها، کلیسای مسیح و مجموعه‌های دیگر از همین دست. پس در این موقعیت نمی‌توانند هیچ برنامه‌ای را به پیش ببرند زیرا این-یکی مخالف آن-یکی خواهد بود، این-یکی به ضد دیگری خواهد بود، تفاوت آموزه‌هایشان همانند تفاوت شرق و غرب است. دقت کنید، با این وضع نمی‌توانند کاری به پیش برند. اما هنگامی که همگان تحت ریاستی واحد قرار گیرند و با هم متحد شوند، به هدفشان می‌رسند. همان‌جا به هدفشان نائل می‌شوند.

۶۸ از همین روی کاتولیک‌ها چنین متحد و منسجم هستند، کاتولیک‌های رومی-چنانکه پیداست متحد هستند، آنها... کاتولیک‌های رومی اکثریت کاتولیک‌ها را تشکیل می‌دهند، یونانیان و دیگر گروه‌های کاتولیک‌ها به اندازه کاتولیک‌های رومی پرشمار نیستند. پس با هم متحد می‌شوند و این امر خود مایه همبستگی آنهاست. هرآنچه پیش آید، پاپ رئیس همگان است. می‌بینید؟ و بی‌پروا به گفته دیگران مبنی بر اینکه: «پاپ خطاناپذیر است، خلیفه-خلیفه خداست، همه چیز است، او دستیار خداست، اختیاردار جهنم، آسمان و برزخ است.» آیا ملاحظه می‌کنید؟ بنابراین چیزی نیست که به این شکل به انجام برسد، هر دستور پاپ باید اجرا شود.

۶۹ حال پروتستان‌ها همچون کاتولیک‌ها، درست به همین سان تحت لوای ریاستی واحد قرار می‌گیرند، همان چیز است. و مگر در کتاب مقدس نیامده که صورتی برای

وحش ساخته می‌شود؟ آن صورت چیست؟ چیزی از همان مایه، چیزی که همانند آن ساخته می‌شود. اینک پیدا شده است، این در واقع همان چیز است. ماهیت ماجرا چیست؟ اینکه با یکدیگر متحد و همدست می‌شوند و همین امر از روح حاکم بر این عصر حکایت می‌کند که همان روح اتحاد و همگامی است.

۷۰ پس اینک دست اتحاد به یکدیگر می‌دهند و هدفشان از این کار نابودسازی پیغام است. ولی چگونه می‌شود آن امر مقدس را نابود کرد؟ چگونه می‌توانند پیغام خدا را نابود کنند؟ می‌توانند آن را بی‌اثر و خنثی سازند، با همان شگردی که در گذشته در آغاز بدان متوسل شدند، به بیانی مطرح کردن سنت‌ها و با همین شگرد کلام خدا را بی‌اثر سازند. دقت کنید، آنها می‌گویند: «خوب آن... به راستی، پس از تمام...» چنانکه می‌دانید کجا آن زن بی‌ایمان بر آن شد که... او... اکنون نامش را فراموش کرده‌ام، اگر می‌توانستم نامش را به یاد آورم. او... سعی می‌کنم اسامی بسیاری را به خاطر بسپارم.

۷۱ روزی به آن دختر شایسته کشور فکر می‌کردم، ای کاش زنی دیگر با چنین روحیه‌ای پیدا می‌شد. او به بار می‌رفت و ویسکی‌ها را بیرون می‌ریخت و آنچه نصب شده بود را می‌گند و کارهایی از این دست انجام می‌داد. چرا امروز زنی با اتخاذ چنین موضعی بر نمی‌خیزد تا عکس‌های زنان عریان هم‌تبار خویش را بکند و اقداماتی از این دست انجام دهد؟ مسئله اینجاست که خانمانی از این جنس دیگر پیدا نمی‌شوند.

۷۲ خوب آن زن بی‌ایمان گفت: «خواندن کتاب مقدس در مدارس دولتی مغایر قانون اساسی است» و مواردی از این دست مطرح می‌شود.

۷۳ اکنون چنانچه باز دقت کرده باشید، هم اینک چیزی را مطرح می‌کنند، بدین ترتیب که دسته‌ای از پژوهشگران کتاب مقدس می‌گویند: «بخش بزرگی از نبوت‌ها، از آنچه در کتاب مقدس نبوت شده، سراسر نادرست بوده و هرگز محقق نشده‌اند.» این ادعاها را شنیده‌اید و در همین راستا مطلب خوانده‌اید. و چنانچه دقت کنید، سعی می‌کنند ادعاهای دیگری از همین دست مطرح کنند، آنها با همین کارها برآنند که تأثیر کلام را خنثی سازند. اگر می‌توانستند آن را از بین می‌بردند و یک اعتقادنامه یا چیزی ساخته پرداخته‌انسان جایگزینش می‌کردند، چیزی که از دید آنها بهتر از کلام خداست، در واقع آنها با سنت‌های خود کلام را خنثی می‌کنند. و چنین می‌کوشند با سیاست‌گذاری‌های فرقه‌ای خود کلام خدا را خنثی سازند.

۷۴ حال، هر کلیسا یک نوع سیاستی دارد. مجموعه موسوم به کلیسای مسیح از سیاست خود پیروی می‌کند، کلیسای مسیحی سیاست خود را دارد و به همین ترتیب باپتیست‌ها، متدیست‌ها، مشایخی‌ها، هریک از سیاستی متفاوت پیروی می‌کند. حال با توجه به اینکه از هم جدا شده‌اند، از آن امر دوری می‌کنند. چنانکه ملاحظه می‌کنید، نیل به این هدف پیش‌تر انجام شدنی نبود ولی هم اکنون بر آنهاست که به آن نائل شوند، حال زمان اتحاد است و اینک انسجام‌سازی و اشتراک‌سازی می‌کنند و می‌توان حاصل کوشش‌های آنها را دید. این درست به این می‌ماند که بخواهید از گوشت اسب و آشغالی که از زباله‌دان درآوردید و هر چیز دیگر یک قرص نان ببزید همه چیز

را با هم قاطی کرده و همچنین سبب‌زمینی‌گندیده و چیزهای دیگر به آن اضافه کنید، تا ببینید چه حاصل می‌شود. مطمئناً برایم اشتها آور نیست. خیر، آقا! این همان رویه‌ای است که آنها در پیش گرفتند. دقت کنید، افرادی را در جمع خود می‌پذیرند که معتقدند عیسی شخصیتی اسطوره بود، کلیسایی عیسی را اسطوره تلقی می‌کند در حالی که کلیسایی دیگر عیسی را نبی می‌پندارد.

۷۵ یکی می‌گوید: «روزگار معجزات سپری شده است.»

۷۶ دیگری می‌گوید: «شاید باز هم معجزه رخ دهد.»

۷۷ و شگفتا که همه این گروه گرد هم می‌آیند و کتاب مقدس گفت: «چطور دو نفر می‌توانند با هم همراه شوند جز اینکه با هم موافق باشند؟» ملاحظه می‌کنید؟ خوب، این ماهیت اتحاد آنهاست. و با قرار دادن پدری مقدس در رأس امر، درست چنانکه در کتاب مقدس تشریح شده، صورت وحش به دست می‌آید. در حال حاضر یکی از خادمان کلیسای لوتری ریاست مجموعه را عهده‌دار شده است. خوب، چنانکه پیداست، زمان شکل‌گیری اتحاد است. اینک همین روند در جریان است، در دنیا کمونیسم و بقیه گروه‌ها با هم متحد و یکدست می‌شوند و به همین ترتیب در کلیسا و غیره با هم متحد و یکپارچه می‌شوند.

۷۸ به طبیعت بنگرید. چه زیباست! بله، طبیعت، اگر نگاهی به طبیعت بیندازید، پیداست که همین کار را می‌کند. طبیعت به واقع در حکم تقویم نشانه‌های الهی است. آیا این را می‌دانستید؟ عیسی به مردم گفت به طبیعت بنگرید. دریا خروش خواهد کرد، ببینید، سخن از چیزهای دیگر نیز هست؛ زمین‌لرزه‌ها در مناطق گوناگون، تنش‌های ملیتی، نشانه‌هایی در آسمان، نشانه‌هایی در زمین، همه جا نشانه‌هایی از آن زمان که فرارسیدنی است، پدیدار خواهد بود.

۷۹ به ابرها نگاه کنید. می‌دانید پیش از آنکه ابرها بارانی سیل‌آسا تولید کنند، چه رخ می‌دهد؟ چندین ابر کوچک برای پدید آوردن ابری بزرگ به هم می‌پیوندند. خوب، باد این یکی را جا به جا کرده، باد آن یکی را جا به جا کرده و آنها با هم جا به جا می‌شوند و همان‌جا ناگهان هوا طوفانی می‌شود. ملاحظه می‌کنید؟ آنها برای تولید طوفان جمع می‌شوند، باید چنین باشد.

۸۰ ببینید چگونه مرغابی‌ها و غازها پیش از ترک دیارشان با هم یکی می‌شوند. می‌بینید؟ آنها با هم یک می‌شوند. می‌بینیم چگونه از برکه‌ای به برکه‌ای دیگر پرواز می‌کنند، از جایی به جایی دیگر، چنین گرد هم می‌آیند. آنها در فضای اتحاد برای کوچ آماده می‌شوند. توجه می‌کنید، این صرفاً... طبیعت است و خدا طبیعت را پدید آورده است و طبیعت از نقشه خدا پیروی می‌کند. این یک قانون است، قانون نانوشته خدا، رفتار طبیعت در هماهنگی با قانون الهی صورت می‌گیرد.

۸۱ این امر تداعی‌گر سخنرانی آیین خاکسپاری درباره فرورفتن عصاره به انتهای گور، به ته ریشه درخت و ماندن آن عصاره در آنجا تا هنگام رستاخیز بهاری است. این یک قانون الهی است. هیچ هوشی نمی‌تواند عصاره را پایین بفرستد، نمی‌توان آن را تخلیه

کرد، نمی‌توان آن را استخراج کرد. روش بهتری از آنچه خدا مقرر کرده، متصور نیست. روش کامل نزد خداست. و بدین ترتیب خدا در هنگام برگریزان، شیر و عصاره را به آن پایین، به عمق‌ها می‌فرستد و پنهان می‌کند. چنانکه ایوب گفت: «مرا در قبر پنهان کن تا غضب تو بگذرد.» ملاحظه می‌کنید؟ عصاره پیش از یخ‌زدگی پایین می‌رود زیرا قانون چنین است. به برگ‌هایی که هم اینک می‌ریزد بنگرید. چرا چنین می‌شود؟ زیرا قانون طبیعت چنین است.

۸۲ مرغابی‌ها یکی یکی جمع می‌شوند و گرد یک پیشوا با یکدیگر گروهی را تشکیل می‌دهند. خوب به آنجا که می‌رسند، نسبت به امری آگاهی دارند، ما نمی‌دانیم چگونه این آگاهی را پیدا می‌کنند ولی آنها می‌دانند که آن مرغابی‌نر کوچک همان پیشواست. و همه دور آن پرندۀ کوچک جمع می‌شوند و با تشکیل یک دسته در هوا به پرواز درمی‌آیند. و او... با اینکه تا آن زمان اصلاً آن برکه را ترک نکرده بود سراسر به سوی شالیزارها راهی لوئیزیانا یا تگزاس می‌شود. چنانچه دقت کنید، پیش از پرواز و ترک جایی که در آن سال شاهد تولدشان بوده، با هم یکی می‌شوند. آمین! همین است آنها گرداگرد پیشوای خود انجمن می‌کنند.

۸۳ مشکل انسان‌ها به عدم آگاهی دربارهٔ هویت پیشوای خود برمی‌گردد. بله آقا، مردم بیشتر تمایل دارند دور فرقه، کشیش یا انسانی انجمن کنند ولی هیچ حاضر نیستند دور آن رهبر یگانه جمع شوند، دور روح‌القدس در فضای کلام. ملاحظه می‌کنید؟ می‌گویند: «خوب از این می‌ترسم که خشکاندیش شوم، نگرانم به راه نادرست کشیده شوم.» بله، مشکل همین جاست! چه می‌شد اگر مرغابی کوچک می‌گفت: «از روش تمیز کردن پرهای او خوشم نمی‌آید. فکر نکنم دنبالش بروم.» از سرما خواهید مرد. اگر در هنگام کوچ با گروه پرواز نکنید، همان‌جا گیر خواهید کرد. ولی آنها به حکم طبیعت با هم یکی می‌شوند.

۸۴ غازها با هم متفق می‌شوند، گرداگرد پیشوای خود انجمن می‌کنند، آنها به واقع همان کار را انجام می‌دهند.

۸۵ تا به حال به ازدحام زنبورها توجه کرده‌اید؟ زنبورها پیش از ترک کندو ازدحام کرده و با هم یک می‌شوند، دور ملکهٔ خود جمع می‌شوند. چنین است. و سپس هر جایی که او می‌رود، آنها همان‌جا می‌روند، چنین است. بله! زنبورها چه کار می‌کنند؟ پیش از مهاجرت یکی و متفق می‌شوند. دقیقاً چنین است، در سراسر عالم طبیعت!

۸۶ ماهی‌ها پیش از مهاجرت بهاری با هم جمع می‌شوند. می‌شود آنها را آنجا در اقیانوس یافت، آن بزرگ‌ها... سالمون‌هایی که به «سالمون صورتی» معروفند. هنگامی که پیش از مهاجرت آنجا می‌آیند، ده‌ها هزار از آنها را در دریا می‌بینیم که از همه طرف، از همه سو در آب شور جمع می‌شوند در حالی که آنها ماهی آب شیرین هستند. زمان تخم‌گذاری که می‌رسد، سراسر راهی آب‌های شیرین می‌شوند. کمابیش هر چهار سال برای تخم‌گذاری به آنجا می‌روند ولی همین که تخم‌ریزی می‌کنند، می‌میرند. می‌دانند که برای مردن به آنجا می‌روند، به هیچ ترتیب نمی‌توان جلوی آنها را گرفت. آنها از روی موانعی که بر سر راه ماهی می‌گذارند و هر چیز دیگر می‌پزند تا به آنجا

برسند با اینکه می‌دانند که به سوی مرگ خود می‌شتابند. اما قانون طبیعت آنها را چنین سرشته که آگاهانه به آنجا می‌روند و در حفره‌ها تخم‌ریزی می‌کنند و می‌میرند. و ماهی‌های کوچک که بیرون می‌آیند، چیزی آنها را جمع و یکی می‌کند و آنها راهی اقیانوس می‌شوند. این اتحاد و یگانگی است! این قانون است. نمی‌شود بهتر از قانون خدا عمل کرد.

۸۷ ملت‌ها از هم می‌پاشند زیرا پیداست زمانی فرارسیده که حکماً چنین روندی را در پیش بگیرند. ما در برههٔ بروز معضل‌های ملیتی هستیم. چنانکه می‌بینیم کشورها با هم قطع رابطه می‌کنند. هر سال می‌بینیم که فلان ملت در کمونیسم غرق می‌شود، آن یکی هم در کمونیسم غرق می‌شود. در همین کشور هم کمونیسم ویرانگری می‌کند و خواه ناخواه زمام امور را به دست خواهد گرفت! دقت کنید که کمونیسم چنین خواهد کرد و به هیچ ترتیبی نمی‌شود جلوی این روند را گرفت. می‌پرسید چرا؟ به همان دلیل که نتوانستیم مانع تیتوس شویم. مردم خدا و کلامش را رد کرده‌اند. بله آقا، آنها آن کار را خواهند کرد و ما شاهد شکل‌گیری روند هستیم.

۸۸ اغلب دو یا سه ساعت صحبت می‌کنم، تا اینجا کمابیش سی دقیقه وقت گذاشته‌ام. ملاحظه می‌کنید؟ و برای ارائهٔ موضوع به شکل جامع باید شتاب کنم. هنگامی که به خانه بازگشتید، آنها را بخوانید.

۸۹ توجه کنید، آنها هم اینک متحد و متفق می‌شوند. «برادر برانهام آیا این حقیقت دارد؟» آنها چنین روندی را در پیش گرفته‌اند که فرجامش همان جنگ است، آنها دقیقاً همین کار را خواهند کرد. ملاحظه می‌کنید؟ و به همین خاطر و همین هدف اکنون با هم یک شده و متحد می‌شوند. به خاطر همین سازمان ملل و چیزهای دیگر نظیر این پیدا شده‌اند. دنیای غرب به ضد دنیای شرق متحد می‌شود، کمونیسم و غیره همه با هم متحد می‌شوند. کلیساها با هم متحد و همگام می‌شوند. به نظر همه چیز در اتحاد و یکپارچگی است. چنانکه هم اینک مشاهده می‌کنیم متحد می‌شوند و با هم متفق می‌گردند.

۹۰ همچین در حین شکل‌گیری اتحاد در سطح ملی و کشوری، بروز علائم و نشانه‌های قومی ملیتی در سراسر دنیا، شاهد وقوع زمین‌لرزه‌ها در مناطق گوناگون هستیم، چیزهای ناهمگون که در روند اتحاد و یکپارچگی هستند، اهالی جهان را جمع می‌کنند، مردم را گرد هم می‌آورند، کلیساها را، همه چیز را. و هم‌زمان با شکل‌گیری یک اتحاد، اتحاد دیگری شکل می‌گیرد. آمین! این همان چیزی است که هم اکنون مایلیم توجه شما عزیزان را بدان جلب کنم.

۹۱ خدا در حال یکی کردن عروس خود می‌باشد. عروس از خاورزمین تا باخترزمین، از شمال تا جنوب گرد هم می‌آید. زمان برقراری یک اتحاد هست و اکنون درست موقع آن است. عروس برای چه متحد می‌شود؟ برای ربودگی. آمین! خدا عروس را آماده می‌کند. بله آقا، اینجا سخن از همان یگانگی است! عروس با چه یکی می‌شود؟ با کلام خدا! «زیرا آسمان و زمین زایل می‌شود اما کلام من هرگز زایل نخواهد شد.» عروس بی‌پروا به گفته‌های فرقه‌ها و مردم، خود را با قول خداوند یکی می‌سازد. و

چنین آماده می‌شود. چرا؟ زیرا عروس است. درست است. و او با داماد یک می‌شود، توجه کنید و داماد خود کلام است. «در ابتدا کلمه بود، کلمه نزد خدا بود و کلمه خدا بود. و کلمه جسم شد و میان ما ساکن شد.»

۹۲ کلیسا و عروس و کلام به چنان اتحاد و وصالی نائل می‌شوند که کلام کارهای داماد را به جا می‌آورد. آمین! آیا این مسئله را می‌بینید؟ سخن از اتحاد و همان یگانگی است! نه اینکه «بیاید به کلیسا بیونید» نه دیگر چنین امری برقرار نیست بلکه اکنون بر شماست که با گسست از همه این امور به وصال با عیسی نائل شوید. ملاحظه می‌کنید؟ زمان اتحاد است. خدا عروس خود را با هم متحد می‌سازد و تماماً آن امر الهی را اعاده می‌کند. کلام وعده خود را متحد می‌سازد.

۹۳ در دوم تسالونیکیان باب ۲ گفته شده است، در باب ۵ چنین آمده است: «مقدسانی که در خاک زمین خوابیده‌اند، بیدار خواهند شد. و ما با آنها یک شده (زندگان با مردگان) حتی پیش از رسیدن به آن بالا با هم یک خواهیم شد.» زیرا هنگامی که عروس به آن بالا برسد، کامل خواهد بود. زندگان هم اینک به کلام می‌پیوندند و رفتگان پیش‌تر و همه آنها پیش از بالا رفتن، در راستای ایجاد اتحادی شگرف در روند یگانگی گام برمی‌دارند. آمین!

۹۴ کمونیسم باید پیشروی کند، دیگران هم باید به همین ترتیب پیشروی کنند ولی کلیسا باید در آن فضا متحد شود هنگامی که آنها... و ملل در آنجا، تا شورای جهانی کلیساها تشکیل شود ولی عروس باید به نوبه خود تحت لوای کلمه خدا یکی شود. خدا در راستای تحقق این امر، نشانه آسمانی و این چیزها را جهت گواهی برای کلیسا فرستاد، او به واقع همین کار را برای این کشور انجام داده است. آمین.

۹۵ سخن از خدا و روزگار شکل‌گیری روند اتحاد است! بله آقا. چنین است! پس اکنون به یاد داشته باشید، اتحادی مربوط به کلام هم صورت می‌گیرد (که چنین باز یکدست می‌شود)، همین‌جاست که سخن از اعاده «ایمانی که یکبار برای همیشه به مقدسان سپرده شده است.» به میان می‌آید. بله، بازگردانی و اعاده! چنین امری انجام شدنی نیست مگر در همین زمان حاضر. تنها زمانی که چنین امری امکان تحقق دارد، همین روزگار کنونی است. قبلاً هرگز و هیچ‌جا بدان امر پرداخته نشده بود، صرفاً به مسائل جاهلانۀ فرقه پرداخته می‌شد. اما اینک سخن از الحاق یک امر جاهلانۀ فرقه‌ای نیست زیرا زمان اتحاد میان مردان و زنان از هر تبار، رنگ و تعلق اعتقادی است چرا که همه چیز به برکت تعمید روح‌القدس و رجعت به کلام، مطیع امر مسیح می‌شود.

۹۶ زمان اتحاد برای کلیسا! پر جلال است! هر کلامی که به دست این سازمان‌ها به هر سو پراکنده شده است، یکی می‌شود، این امر به زمانی برمی‌گردد که از نقیه، از روم نخستین سازمان کلیسایی را تشکیل دادند، به همان ترتیب سازمان لوتری به راه انداختند، سازمان ولسی تشکیل دادند، به دیگر کلیساها هم به همین سان قالب تشکیلاتی دادند. و برای نیل به این هدف باید اعتقادنامه‌ای را تصویب می‌کردند پس با این توصیف زمانی که خدا چیز دیگری فرستاد، آنها نتوانستند آن را بپذیرند. از این رو تا کنون تحقق این امر امکان‌پذیر نبوده است. ولی خدا وعده داد که در روزهای

واپسین «ایمان پدران اعاده خواهد شد و دوباره به عروس بخشیده خواهد شد»، چنین خواهد بود و این امر در هیچ زمان دیگر غیر از زمان کنونی تحقق‌پذیر نبود. دقت کنید که چه نشانه‌های از آسمان فرود آمد؛ ستونی آتشین معلق در جمع ما با نشانه‌ها و شگفتی‌های خداوند عیسی مسیح. هنگامی که او خود با ما سخن می‌گوید آن امر الهی هرگز زایل نمی‌شود و همیشه محقق می‌گردد. آمین! پس چنین بر ما روشن شد که به چه برهه‌ای رسیده‌ایم. به زمان اتحاد!

۹۷ می‌بینیم که کشورها، ملت‌ها با هم متحد می‌شوند، می‌بینیم که دنیا یکپارچه می‌شود، شاهد شکل‌گیری اتحاد کمونیسم هستیم، متحد شدن کلیساها را به چشم می‌بینیم، همچنین می‌بینیم که خدا خویشتن را با عروسش یک می‌سازد، یعنی خودش و کلیسا، این همان امر است. هلولوپاه! مانند آن اهرام، آنجا، حقیقت دارد! آنها با هم متحد می‌شوند، خدا وارد فضای اتحاد می‌شود! چرا؟ از نخستین دورهٔ کلیسا تا کنون هرگز چنین نشده، ستون آتش میان افراد حاضر نشده است. از نخستین دورهٔ کلیسا اموری که ما امروز می‌بینیم را ندیده بودند. و این شدنی نبود تا اینکه خدا هفت مهر را فرستاد و از طریق آن به ما نشانه‌های داد، او از آسمان هفت فرشته فرستاد و او خود برای اعادهٔ کلامی که به دست فرقه‌ها پراکنده شده بود، آمد. او برای متصل ساختن همهٔ این امور به کلام خدا و فرود آوردن روح‌القدس خود این کار را کرد.

۹۸ عیسی فرمود: «اگر در من بمانید و کلام من در شما بماند، آنچه خواهید را بطلیبید که به شما عطا خواهد شد.» او در همان راستا باز عروس را با کلام که به واقع خود خداست یکی می‌سازد. در اینجا سخن از کلیسا و کلام است و نه کلیسا و اعتقادنامه؛ به سخنی عروس و کلام با هم یک می‌شوند. بر جلال است! چه... سخن از معاد و بازسازی چیست؟ سخن از ایمان نخستین پدران پنطیکاستی است که به دست لوتری‌ها پراکنده شده بود، می‌بینید. نه به دست خود لوتر، نه به دست لوتر، نه به دست و سلی، نه به دست این پایه‌گذاران بزرگ. بلکه پس از رفتن آنها، کلیسایی شکل گرفت و آنها... خوب با آن چه کردند، از آن یک مجموعهٔ تشکیلاتی ساختند. به اعتقادنامه‌ها و چیزهایی از این دست تن دادند و این چنین دور شدند. و امروز آنها را ببینید، حال به شورای جهانی کلیساها پیوسته‌اند.

۹۹ خوب، می‌بینید اما در روزهای آخر، چنانچه دقت کنید، هم اینک شاهد وقوع چیزهایی هستیم که در گذشته هرگز رخ نداده بود. دقت کنید، این نشانهٔ الهی و این اتحاد که هم اینک شکل می‌گیرد، نشانهٔ زمان هستند. حال می‌خواهیم این امر را با دقت بررسی کنیم و به راستی مطمئن باشیم که آن را خوب درک می‌کنیم. فارغ از... آنها در راستای پذیرش اعتقادنامه‌ها، آرای انسانی گوناگون، به جای التزام به گفتهٔ الهی کلام حقیقی خدا را رها می‌کنند.

۱۰۰ مکاشفه ۱۰ می‌گوید: «پیغام هفتمین فرشته.» حال چنانکه به یاد دارید، این امر درست در زمان شیپورهای هفتگانه صورت می‌گیرد و همان‌جاست که هفت فرشته شیپورهای هفتگانه را می‌نوازند. این مربوط به مرحلهٔ بعد است. اما به یاد داشته باشید که اینجا به طور خاص گفته می‌شود: «... فرشته» نه شیپور فرشتهٔ هفتم بلکه سخن از

«پیغام فرشته هفتم» می‌شود. توجه کنید، نه فرشته شیپورزن بلکه فرشته پیغام‌آور! دقت کنید، فرشته تنها در شیپور می‌دمد، این هفتمین فرشته است، فرشته شیپور هفتم. اما اینجا گفته می‌شود: «در روزگار فرشته هفتم» می‌بینید، در این متن سخن از اتمام پیغام آن فرشته می‌شود. دقت کنید، این همان پیغام است که عصر مورد نظر کلیسایی را مخاطب می‌سازد. در آن روزگار است که... سخن از پیغام است نه از شیپور و «سرّ خدا (که در کلام مکتوب شده است) تمام می‌شود.»

۱۰۱ پس ملاحظه کنید که در چگونه روزگاری به سر می‌بریم! به این مهرها بنگرید، همین امر کلام خدا که پراکنده شده بود را گردآوری کرده است، به واقع آنچه لوتر و دیگر اصلاحگران بزرگ در راستای آن حرکت کرده بودند همین‌جا باز منظور گردید، موقعیت جایگاه مشخص هر کس، آنچه به جا خواهد آورد، آنچه بر کلیسا خواهد گذشت و تمام مسائلی که به تعویق انداخته شده بود بی‌کم و کاست در کتاب مقدس در متن و ترتیب مناسب مشهود است. اینک در روز واپسین، چیزی در مورد این امور نمی‌دانستیم، البته که رخ دادن چنین اموری از پیش به ما اعلام شده بود، در روزنامه‌ها نیز به آن پرداخته شد و او خود مستقیم فرود آمد و آن را برداشته و تمام این رازها را به هم مرتبط ساخت. آمین! برادر، به نظرم عالی است! باور دارم که همین امر کلام را منسجم می‌کند. آمین! بی‌پروا به گفته‌ها و پنداشته‌های مردم که البته برایم قابل احترامند، به راستی که چنین است، اما آن امر الهی برای من عین حقیقت است.

۱۰۲ درست مانند مغانی که از بابل آمده بودند و فریاد می‌کردند: «کجاست پادشاه یهود که به دنیا آمده است؟» پادشاه یهود هم اینک بر روی زمین است. باید پیدایش کنیم. درست است. و معتقدم آمدنش به اندازه‌ای نزدیک است که می‌توانم چنین بگویم: «اینک، داماد می‌آید! صدای فریاد نیمه‌شب را می‌شنوم!» آمین! درست در لحظه واپسین به سر می‌بریم. زمانی که در آن روزگار می‌گذرانیم باشکوه است. توجه کنید. ملاحظه می‌کنید؟

۱۰۳ چه روزی است! زمانی که در آن زندگی می‌کنیم، چه برهه‌ای است، هنگامی که این راز شگرف خدا تمام می‌شود، الوهیت را بازمی‌شناساند و ماهیت آن را آشکار می‌سازد، چیستی این ایسم‌ها و گرایش‌های ناچیز که مردم را به بیراهه کشاندند و آن قدوس را چنین معرفی کردند، کسی از او این ساخت و دیگری از او آن. اما فرشته خداوند فرود آمد و واقعیت همه ایسم‌ها و گرایش‌ها را نشان داد، حقیقت را از درون آن فضا بیرون کشید و آن امر الهی را نمایاند. آن امر الهی همین است، جامع‌تر از این هم نمی‌شود. بله همین است و ماهیت او چنین است. ملاحظه کنید، سخن از ذرّیت مار و همه-همه مسائل گوناگون است که برای مردم رازناک و پوشیده می‌نمود. دقت می‌کنید؟ اینجا سخن از چیست؟ او آهنگ... این نشانه چیست؟ باید متحد شد!

۱۰۴ خدا در ملاکی باب ۴ چه گفت؟ گفت که برمی‌گرداند و بازسازی می‌کند. او باز ایمان پنطیکاستی را برمی‌گرداند و مرجع می‌سازد و به همراه همان پیغام پنطیکاستی، همان نشانه پنطیکاستی، همان گواهی پنطیکاستی، همان خدا، همان نیرو، همان آموزه، بی‌کم و کاست، با تأیید همان ستون آتش که پولس را در راه دمشق بر زمین

انداخت، آن امر را به مردم اعاده کرد، او خود اینک امروز در جمع ماست و همان چیزهایی که آن روزگار انجام می‌داد را باز به جا می‌آورد. باید متحد شد!

۱۰۵ چنانکه می‌بینیم اینک ملل متحد می‌شوند، شاهد هستیم که اهالی جهان متحد می‌شوند، می‌بینیم که کلیساها در راستای اتحاد گام برمی‌دارند. ولی در همان حال شاهد یکی شدن عروس هم هستیم، اتحادی که با کلام شکل می‌گیرد. چرا؟ زیرا کلام خود خداست. و چون کلام... چون داماد (که کلام است) و عروس (که شنوای کلام است) در یکپارچگی به هم می‌پیوندند. چنانکه در یک ازدواج وصال حاصل می‌شود. دقت کنید، اکنون برای عروسی آماده می‌شوند و- یکی می‌شوند. کلام به واقع شما می‌شود و شما هم کلام می‌شوید. عیسی گفت: «در آن روز به شناخت آن خواهید رسید. هرآنچه پدر است، من همان هستم. در آن روز به این شناخت خواهید رسید که من در پدر هستم و پدر در من است، من در شما و شما در من.» دقت می‌کنید؟ «در آن روز.» اینجا سخن از کدام روز است؟ همین روز! ما هم اینک شاهد گشوده شدن رازهای شگرف الهی هستیم. چه قدر این امر برایم دلنشین است!

۱۰۶ توجه کنید، در گذشته برخلاف کاری که امروزه انجام می‌شود، مقایسه دانش و کلام شدنی نبود. پیش‌تر چنین امری امکان‌پذیر نبود. این کار تنها در حال حاضر انجام‌پذیر شده است.

۱۰۷ توجه کنید، او فرمود: «علامات آسمانی، نشانه‌های آسمانی.» دانش و نشانه‌های ملیتی و کشوری، حال آنها امروز نشانه‌های بزرگی در آسمان دارند، هم فضاورد دارند و هم چیزهای دیگر. اما برآیند این فضاوردان برای دنیای علم چه بوده است؟ ترس به جان مردم انداخته است. نمی‌دانند در چه زمانی چیزی مانند آن را جهت بمباران به بالا پرتاب خواهند کرد که در این صورت از هستی ساقط خواهیم شد. ملاحظه می‌کنید؟ پس چنین نشانه‌هایی دارند، چیزهایی که دیدنشان در آسمان ترس‌آور و هراس‌انگیز است. توجه می‌کنید؟ آنها موشک‌های اتمی و چنین چیزهایی در اختیار دارند، به سخنی تمام این قبیل نشانه‌ها را دارند.

۱۰۸ چنانکه خود شاهد هستید همین چندی پیش معاهده‌ای امضا کردند مبنی بر اینکه دیگر هیچ بمبی را در سطح زمین منفجر نکنند اما اکنون به زیر آب و در دل زمین رفته و همان بمب‌ها را آزمایش می‌کنند. ملاحظه می‌کنید؟ معاهده‌ای با چنین مضمونی امضا می‌کنند که «اگر شما بگویید که چنین نمی‌کنید، ما هم دست از این کار برمی‌داریم (با این حال به خانه بازمی‌گردیم و به این ترتیب همان کار را ادامه می‌دهیم، مادامی که می‌دانیم شما جایی همان برنامه را به پیش می‌برید).» توجه می‌کنید؟ حتی یک مورد هم نیست، این تنها... هیچ اعتمادی بین طرفین نیست، هیچ-هیچ چیزی از این قبیل نیست. می‌توانید... دقت می‌کنید؟ هریک از دیگری هراس دارد. این خود نشانه‌ای ترس‌آفرین است.

۱۰۹ علم و دانش، انسان و ملل در آسمان نشانه‌ای خوف‌انگیز پدید آورده‌اند. چنین است. آنها از یکدیگر می‌هراسند. و نشانه‌ای آسمانی هست که داده شده است به... ببینید، خوب آنها نیز نشانه‌ای در آسمان دارند، نشانه‌ای به واقع سهمگین، انسانی در

فضاپیما؛ او می‌تواند موشکی هسته‌ای در اختیار داشته باشد، آن را رها کند و همه کشورهای را به کام نابودی بفرستد. می‌تواند درست مانند یک فضاورد بالا برود و همان‌جا بماند. چیزی نیست که آنها را انجام چنین کاری بازدارد. آنها قطعاً می‌توانند چنین کاری بکنند، آنها... هرگاه اراده کنند. چنانچه اراده کنند... تنها در ظرف یک ربع می‌توانند آن را همچون پودر خاکستر کنند. و چیزی که یکی می‌تواند انجام دهد دیگری نیز می‌تواند انجام دهد. پس ملاحظه کنید، اینجا، آنها صاحب نشانه شدند اما این نوع نشانه برایشان مایه هراس است.

۱۱۰ پس در راستای اتحاد گام برمی‌دارند، قدرت‌های خود را با هم جمع می‌کنند. دنیای آزاد، قدرت‌های خود را یکپارچه می‌سازد. کمونیسم نیروهای خود را با روسیه یکپارچه می‌سازد. همه، در آن واحد هریک از دیگری می‌ترسد. دقت کنید، این نشانه‌ای هراس‌انگیز است. واقعیت است. همین، اینها نشانه‌های کشوری و ملیتی هستند و غیره.

۱۱۱ اما در همان حال کلیسا نشانه‌ای آسمانی دریافت کرده است، یک فضاورد! آمین! اینجا باز سخن از عیسی مسیح است در هیئت ستون آتشین؛ به همان سان که در عهد عتیق حاضر شد، با همان ماهیتی که شائل را در راه دمشق ملاقات کرد، همان عیسی اینجا، امروز حضور دارد! ماحصل آن امر آسمانی چیست؟ آیا هراس آور است؟ نه بلکه مهرانگیز است، افراد را به متحد شدن با یکدیگر سوق می‌دهد. آمین! ما را به نیکویی نسبت به یکدیگر حساس می‌کند. مهر خدا را ارمغان می‌کند و ما را متحد می‌سازد و از ما بدن مسیح را پدید می‌آورد، در جایگاه عروس ما را به اتحاد سوق می‌دهد. این همان برکتی است که این امر به بار می‌آورد، سخن از یکی شدنی است که در آن خود خدا...

۱۱۲ آنها با هم متحد می‌شوند؛ یک گروه اینجا برای ستیز با گروهی دیگر، گروهی اینجا برای رویارویی با گروهی دیگر. و کلیسا بین این دو قرار دارد، به آنچه رخدانی است خوب توجه کنید، او با آنها متحد خواهد شد. این سراسر حقیقت است. اما خوب می‌بینیم این امر رعب‌آور و استرس‌آفرین است.

۱۱۳ ولی خدای یکتا کلیسا به بیانی عروس را در قالب اتحادی مقدس و الهی، تحت روحی واحد که همانا روح خداست یکی و یکپارچه می‌سازد تا عروسی پاک برای خدا باشد. به راستی که چنین است، همه با هم، این به واقع همان اتحاد و یکپارچگی بدن است. بدن در جایگاه عروس منتظر است زیرا خود عروس است و به همین خاطر خود را عروس می‌خوانیم. عروس، آن کلیسا در راستای زمان شکل‌گیری اتحاد و یکپارچگی، در مشارکتی نزدیک‌تر گرد هم می‌آید. این باید چنان مه‌ری در میان ما برافروزد که دوری یکدیگر را تاب نیاوریم. درست است. تنها کاری که انجام می‌دهیم... دیگر نیاز نیست به مردم التماس کنیم که دعا کنند، نیاز نیست به آنها التماس کنیم تا خدا را بپرستند، نیاز نیست التماسشان کنیم تا نیکویی به جا آورند. چنان به او دل می‌سپارند که دیگر چیزی برایشان مهم نیست.

۱۱۴ دختری جوان را در نظر بگیرید، دوشیزه‌ای بسیار زیبا که قرار است با جوانی رعنا ازدواج کند و بسیار عاشق است، او برایش مهم‌تر از زندگی خودش است و می‌داند که

به زودی ازدواج خواهند کرد. روز ازدواج نزدیک می‌شود، به شما می‌گوییم که این خانم جوان دیگر آرام و قرار ندارد. توجه می‌کنید؟ او همه چیز را آماده می‌کند. آن دوشیزه خود را کاملاً به آن آقا می‌سپارد. درست است. هرآنچه آن آقا را شاد سازد، دخترخانم همان را به جا می‌آورد. و خوب کلیسا باید امروز به همین ترتیب عمل کند، زندگی ما باید به وساطت مسیح در خدا مخفی باشد، به وساطت روح‌القدس در درون مَهر شده باشد.

۱۱۵ در باب تعلیمی که اکنون به شما ارائه می‌دهم از نشانه‌ها و امور مختلفی که در حال رخ دادن هستند، صحبت می‌کنم البته اکنون در این فرصت امکان پرداختن به تمام آنها را ندارم ولی اگر خداوند بخواهد در پیغامی دیگر بدان خواهیم پرداخت. اما هنوز کلیسا کمبود کوچکی دارد. مراد ما از ارائه این میحث همان است و اینکه به آن می‌پردازم. دقت می‌کنید؟ می‌خواهیم به آن پردازیم. اگر... چیزی است که باید آن را به جا آورد. اگر آن را انجام ندهید-بر شماست که آن کار را به جا آورید، جای بحث ندارد. بنگرید که به راستی زمان اتحاد نزدیک است زیرا خدا اینک کلیسا را برای ربودگی، برای رفتن به بزم نکاح جهت آن وصال شگرف، گرد هم می‌آورد و همان جاست که خدا و آدمی برای ابدیت یکی می‌شوند، همان جاست که آفریدگان با آن یگانه جاوید یکی می‌شوند.

۱۱۶ این کار یکبار انجام شد، در هیئت پسر انسان بر روی زمین. و پسر انسان برای پدید آوردن نیرویی زندگی خود را تقدیم کرد همان نیرویی که آدمیان را یکی می‌سازد تا عروس عیسی مسیح را تولید کند. و اینک کلیسا خود را با بدن مسیح یکی می‌سازد. کلیسا خود را آزاد ساخته است، بله، خود را از هر قید و زنجیر هرچند کوچک آزاد کرده و اکنون خود را آماده می‌سازد، آنها گرد هم آمده و بینشان اتحاد و یگانگی برقرار است، مهر و شادی و روح‌القدس در میان آنها عمل می‌کند. باشکوه است! چه زمانی است!

۱۱۷ در حالی که آماده‌سازی اردک‌ها را می‌بینیم، شاهد این هستیم که غازها آماده می‌شوند، در همان حال جانوران را می‌بینیم... اینکه زنبورها چگونه خود را آماده می‌سازند، می‌بینیم که ابرها خود را برای باران آماده می‌کنند، همه این امور را می‌بینیم، همگان برای یورش بزرگ آماده می‌شوند. اتحادیه ملل را می‌بینیم، ملل با یکدیگر در قالب کمونیسم متحد می‌شوند. اینجا در دنیای غرب می‌بینیم که با هم متحد می‌شوند. چنانکه شاهدیم کلیسا یکپارچه می‌شود، همه با هم. پس قطعاً غیرممکن است، در هیچ روزگار دیگری نمی‌توانست چنین باشد، این امر بیست سال پیش تصورپذیر و شدنی نبود. ده سال پیش شدنی نبود و باید همین حالا باشد. می‌بینید زیرا این ایسم‌ها و گرایش‌ها هنوز به اینجا نرسیده بودند.

۱۱۸ حال بیدار شوید! بی‌درنگ تلنگری بر خود زنید و به موقعیتی که در آن به سر می‌بریم نگاه کنید! کجا هستیم؟ همچون آن مغان، درست با کلام هماهنگ شده‌ایم و حال فروغ خداوندی بر راه ما می‌تابد. خدا را در اعلی‌علیین جلال باد. جلال پر خدا که عیسی مسیح را به ما بخشید همانکه دوستش داریم و همانکه ما را به این نقطه رسانده

است. و از آنجایی که ما... ما قوم او هستیم، مردمی فدیه شده به بهای خوش.

۱۱۹ چه پر جلال! با فرارسیدن زمان شکل‌گیری اتحاد می‌بینیم چگونه به واسطه رشته‌ی پیوندی که روحش پدید می‌آورد با یکدیگر متحد می‌شویم، ما... آیا ممکن است که این خود روح او باشد؟ قطعاً، این همان روح الهی اوست. چرا چنین است؟ این همان سخنش است و آن... همان روح کلام است. و هنگامی که این روح موعود بر شما فرود می‌آید، امور را تأیید و حضور خود را همین‌جا نمایان می‌سازد، آیا به واقع همان روح است؟ بله، همان که در بیابان با موسی بود! همان که بر عیسی مسیح قرار گرفت! همان که شائل را هنگامی که در راه دمشق بود، ملاقات کرد! او دیروز، امروز و تا ابد همان است! و همان کارها را انجام می‌دهد!

۱۲۰ و می‌بینیم چگونه ملل گرد هم می‌آیند، می‌بینیم چگونه سران کلیساها در کنار هم قرار می‌گیرند، جهان کمونیسم را در کنار هم می‌بینیم، شکل‌گیری اتحاد میان ایسم‌ها، گرایش‌های گوناگون را می‌بینیم، شاهد شکل‌گیری این امور هستیم و حال می‌بینیم چگونه عروس با کلام یک می‌شود. چه پر جلال! زمانی فرارسیده که مقدسان برای پیوستن با زندگان رستاخیز کنند، باشد که تا ابد به عیسی مسیح پیوسته با وی یکی شوند.

۱۲۱ خدا ما را یاری کند، تکاتک ما را یاری فرماید تا امشب با مسیح یکی شویم، تا هر آنچه هستیم را بسپاریم، هر آنچه داریم، همه جان خویش، همه تن خود و همه افکار خود را به عیسی مسیح بسپاریم، باشد که چنین منتظر لحظه اتحاد بمانیم.

وقتی شیپور خداوند به صدا درآید، که دیگر زمانی باقی نمانده است،

و صبح جاودانگی سپیده زند، درخشنده از زیبایی؛
وقتی مردگان در مسیح قیام کنند و آنجا گرد هم آیند در آن ساحل، (با عروس که زنده است، تا با یکدیگر بالا برگرفته شوند).

۱۲۲ به روند شکل‌گیری اتحاد نگاه کنید! اینک خدا کلیسا را با کلام خویش یکی می‌سازد و سخن الهی را با کلیسا یکی می‌سازد، هر دو یک چیز می‌شوند: «چنین بگو و خواهد شد. چنین کن و خواهد شد. چنین است؛ من پشت تو هستم، من هستم که بر آن گواهی می‌دهم، من با تو هستم.» بسیار خوب.

۱۲۳ اکنون چنانکه می‌بینیم لحظه‌ای فرامی‌رسد که شیپور به صدا درمی‌آید و مقدسان خوابیده نمی‌توانند بدون ما به کاملیت راه یابند، آنها بر روی ما حساب می‌کنند (عبرانیان ۱۱) و زمانی که آنها جمع شوند، با زندگان متحد می‌شوند. کلیسا با کلام یکی می‌شود، کلیسا و کلام متحد می‌شوند و در روند اتحاد قرار می‌گیرند. مقدسان مرده و زنده برای یکی شدن با هم متحد می‌شوند و همه با هم برای بزم نکاح برّه در آن بالا به مسیح می‌پیوندند.

۱۲۴ اکنون زمان اتحاد است و نشانه‌ها از هر سو جاری می‌شوند. نشانه‌ها در میان ملل و کشورها هویداست، نشانه‌ها در کمونیسم پدیدار است، نشانه‌ها در دنیای غرب نمایان است، نشانه‌ها در شورای کلیساها نمایان است. و در عین حال آن نشانه الهی امشب اینجا حضور دارد، حاضر در هیئت روح‌القدس و کلام خدا مؤید آن امر بوده و حقانیت امر را نشان می‌دهد. آمین! زمان شکل‌گیری اتحاد! نشانه شکل‌گیری اتحاد!

سرهای خود را خم کنیم.

۱۲۵ ای خداوند عیسی، قلب بینوای من با دیدن این امکان از شادی و خرمی به تپش می‌افتد (برای من که مردی پا به سن گذاشته هستم) از اینکه بتوانم در خلال همین نسل بازگشت تو را به چشم ببینم؛ باشد که زنده باشم و اینجا بمانم، باشد لحظه نواخته شدن این شیپور را ببینم: «هرکه خبیث است باز خبیث بماند. هرکه عادل است باز عدالت کند. هر که مقدس است باز مقدس بشود.» ای خداوند خدا!

۱۲۶ به این می‌اندیشیم که در دمی به آنجا خواهیم رسید، در یک چشم بر هم زدن، در حالی که دنیا آنچه رخ می‌دهد را در نمی‌یابد اما ناگهان شما در لحظه افرادی که از دنیا رفته بودند را مقابل خود ظاهر شده می‌بینید. در یک چشم بر هم زدن و همه با هم برای دیدار با خداوند خود در هوا برگرفته می‌شویم. پس ما به او خواهیم پیوست و برای همیشه آنجا خواهیم بود و دیگر هرگز دوباره از حضورش محروم نخواهیم شد.

۱۲۷ خداوندا، امروز چه پر جلال است دانستن اینکه به برکت برخورداری از روحی واحد، اینک یکی و متحد می‌شویم. روحی واحد که همان روح‌القدس است و بر کلام نظارت کامل دارد، در ما قرار می‌گیرد. و چه پر جلال است اینکه می‌توانیم برای یکی شدن با عیسی مسیح خود را از قید و بند دنیوی آزاد سازیم که خود مایه سرفرازی است. و تصور این امر که روزی در قالبی فیزیکی با یک بدن همانند بدن پر جلال خود او بر سر سفره شام عروسی خواهیم نشست و آنجا متحد بوده و با او ازدواج خواهیم کرد تا در جایگاه عروس و داماد برای همیشه و زمان در پیش رو در ابدیتی بی‌پایان زیست کنیم.

۱۲۸ خداوند خدا، باشد که این امر تنها در حکم فکری افسانه‌ای برای جماعت نباشد بلکه چنان ملموس شود که گرسنگی و تشنگی در میان مردم پدید آورد که آنها... حینی که روزنامه می‌خوانند و به تماشا... حینی که به رادیو و خبرها گوش می‌دهند، ببینند که زمان تحقق اتحاد نزدیک است. نشانه‌ها در حال چشمک زدن می‌باشند.

۱۲۹ ای خداوند خدا، از زنان صحبت کردیم اینکه در روزهای واپسین چه خواهند کرد، از آنچه که کلیسا در این واپسین روزها انجام خواهد داد و اینکه ادوار کلیسایی چه ماهیتی خواهد داشت و اینکه مهرها چه خواهند بود و همین‌طور مباحثی از این دست. و دیدیم که در زمان نوح چه گذشت. دیدیم که در زمان سدوم و عموره چه رخ داد، هنگامی که فرشته خدا خویشتن را در هیئت جسم انسانی باز شناسانید و اینکه گوشت گاو خورد و شیر گاو نوشید و نان خورد و در حالی که آنجا ایستاده بود می‌توانست

بگوید که پشت سرش چه می‌گذرد. و عیسی فرمود که هنگام بازگشت پسر انسان همان امور رخ خواهند داد.

۱۳۰ خداوند خدا، ما اهرام را دیدیم، چطور آنها را آنجا برپا کردیم و دیدیم که چگونه این چیزها را به آن اضافه کردیم و دریافتیم که در روزگار واپسین به سر می‌بریم و منتظر آن سنگ زاویه هستیم. جلال بر خدا! پدر دعا می‌کنیم تا تو مردم را بیدار کنی، همین حالا، و ما را با مهر ایزدی، در فضای حرمت به عیسی مسیح و با احترام نسبت به یکدیگر گرد هم آوری.

۱۳۱ آیا امشب اینجا عزیزی هست که از این امید بی‌بهره بوده، بخواهد دست خود را بلند کرده و بگوید: «خداوند خدا، مرا با خودت یگانه کن، مرا با خودت یک ساز؟» برادر، خدا به شما برکت دهد. خدا به شما برکت دهد، همچنین به شما، بله، شما. «خداوند، مرا با خودت یگانه ساز.» بله! چه باشکوه!

ملت‌ها فرومی‌پاشند، بنی اسرائیل برمی‌خیزد،

۱۳۲ به بنی اسرائیل در آنجا نگاه کنید، آنها با هم متحد می‌شوند. بنی اسرائیل از سراسر دنیا آمده‌اند تا با هم متحد شوند، تا متحد شوند و اکنون ملتی واحد تشکیل داده‌اند. آنها ملتی واحد هستند، پرچم خود، واحد پولی خود را دارند و از ارتش برخوردارند و هر چیز دیگر، اگر تا به حال چنین نبوده‌اند اکنون دیگر چنین شده‌اند. بنی اسرائیل متحد شده است، روم متحد شده است، کلیسا متحد شده است. و عروس نیز متحد می‌شود، آمین و آن اتحاد شگرف از راه می‌رسد. این چیست؟ همه چیز به سمت آن نشانه الهی در جریان است، آن نشانه اصلی بزرگ، عیسی و عروسش به هم می‌پیوندند تا یکی شوند.

۱۳۳ خدایا، ای پدر آسمانی، برکاتی که برای این جماعت طلبیدم را عطا کن، باشد که بتوانیم در قلب و در روح با تو یکی شویم، آنها به نشانه وجود چنین اشتیاقی در خویش دست خود را برافراشته‌اند. خداوند خدا، ما را طاهر کن و چنین کن که از آن تو باشیم، خداوند این را عنایت فرما. تنها کاری که درست می‌دانیم و می‌توانیم انجام دهیم این است که بطلبیم. حال تو خود گفته‌ای که چنانچه آن را بطلبیم و به آن ایمان داشته باشیم، آن را دریافت خواهیم کرد، خداوند، منتظر آن هستیم. تو را در نام عیسی مسیح سپاس می‌گویم. آمین.

دوستش می‌دارم، دوستش می‌دارم

زیرا اوست که ابتدا دوستم داشته

و بهای نجاتم را پرداخته

بر درختی در جلجتا.

آمین. چه باشکوه!

اینک داماد می‌آید!

آواز نیمه‌شب را می‌شنوم!

با بانگ شادی بالا خواهیم رفت، اگر پایداری کنیم،

و او را در آسمان ملاقات خواهیم کرد.

برادرم، بنگر و دعا کن،

مبادا کسی تاجت را بگیرد،

زیرا شخص ولرم و واپسگرا

ردای عروس را بر تن نخواهند کرد.

۱۳۴ درست است. بیایید برای آواز نیمه‌شب آماده باشیم. در ساعتی که فکرش را نمی‌کنید، می‌آید. بانگی برخواید خواست، البته نه در دنیای بی‌ایمانان زیرا آن امر رازناک و پوشیده خواهد ماند. بلکه برای باورمندان که چشم به راه آن هستند، آیا در یک راستا قرار گرفتن ستارگان را می‌بینید؟ دقت می‌کنید؟ ماحصل آن چیست؟ درست همان چیزی که بار نخست رخ داد. ببینید، به اینجا رسیده‌ایم و حال نشانه‌ها پدیدار می‌شوند.

ظهور نشانه‌های بازگشت متبارکش را می‌بینیم،

بنگر که حال برگ‌های انجیر سبز می‌شوند؛

انجیل ملکوت به تمام امت‌ها اعلام شده است؛

در انتها به سر می‌بریم، زمان آخر قابل رؤیت است.

آنگاه با خوشحالی پیغام ظهور مبارکش را اعلام خواهیم کرد،

۱۳۵ درست است؟ «اعلام پیغام ظهور مبارکش!» این همان کاری است که باید انجام دهیم. به همگان بگویید: «آماده شوید، برای ملاقات خدا آماده شوید.» آمین! او را دوست دارم. چقدر او را دوست دارم. حال، اینک بیایید بایستیم. در حالی که به هم سلام می‌کنیم، در اطراف خود به دیگری دست دهید و بگویید:

تا ملاقات کنیم!

اکنون به یکدیگر دست دهید.

... تا ملاقات کنیم!

تا در مقابل پای عیسی ملاقات کنیم؛

تا ما...

به یاد داشته باشید، چه بسا فراخوانی داشته باشید و جلسه بعدی ما در مقابل پای او برگزار شود.

تا ملاقاتی دوباره خدا با شما باشد!

۱۳۶ اکنون، کمی تأمل کنید، پیش از اینکه یکدیگر را دوباره ببینیم، پیش از اینکه دوباره فردا صبح یا چهارشنبه شب یکدیگر را ببینیم، شاید... ناگهان کسی ناپدید شود. کسی ناپدید شد- آنها رهسپار شدند. فکر کنید که شوهر شما ناپدید شود، یا زن شما ناپدید شود، و- و همسر یوحنا ناپدید شود و- و- و آنجا بچه‌ها ناپدید شوند. چنین چیزی رخ داد (چه شده است؟) ولی وای که شما جا مانده‌اید!

تنها گریه و ناله،

وقتی که گمشدگان به سرنوشت خود پی می‌برند؛
 به صخره‌ها و کوه‌ها فریاد برمی‌آورند، (مانند بنی اسرائیل در راه
 بازگشت به شهر از معبد).
 آنها دعا کردند اما دعایشان دیر رسید. (آنها پیغام را نپذیرفته
 بودند.)

۱۳۷ برادر، هرگز چنین نکن. هرآنچه انجام می‌دهید، نسبت به آن امر وفادار
 بمانید! بله، آقا!

۱۳۸ اینک تا ملاقاتی دوباره چنین خواهیم کرد:

نام عیسی را با خود بردار،
 چون سپری از بهر هر دام؛
 زمان هجوم و سوسه‌ها، (چه می‌کنید؟)
 در دعا تنها نام مقدس او را بر زبان جاری کن.
 چه دلنشین است آن نام گرانبها!
 امید زمین و شادی آسمان‌ها؛
 چه دلنشین است آن نام گرانبها!
 امید زمین و شادی آسمان‌ها.

۱۳۹ بیایید در حالی که سرود را زمزمه می‌کنیم، سرهای خود را خم کنیم:

خم شده در مقابل نام عیسی،
 سر به خاک نهاده در مقابل پایش،
 در آسمان بر سر شاه شاهان... تاج خواهیم نهاد،
 هنگام به انتها رسیدن سفرمان. (روزی چنین خواهد بود).
 چه دلنشین است، (نام گرانبها!) چه دلنشین است!

تا ملاقاتی دوباره خدا با شما باشد.

امید زمین و شادی آسمان‌ها؛
 چه دلنشین است آن نام گرانبها! (چه دلنشین است!)
 امید زمین و شادی آسمان‌ها.



زمان شکل‌گیری اتحاد و نشانه آن FRS63-0818
(The Uniting Time And Sign)

برادر ویلیام ماریون برانهام این پیغام را به زبان انگلیسی در عصر یک‌شنبه ۱۸ اوت ۱۹۶۳ در خیمه برانهام در جفرسونویل ایالت ایندیانا آمریکا ایراد کردند. این پیغام در یک نوار مغناطیسی ضبط شد و به شکل کامل به زبان انگلیسی به چاپ رسید. برگردان فارسی این اثر با کوشش انتشارات Voice Of God Recordings چاپ و پخش می‌گردد.

FARSI

©2024 VGR, ALL RIGHTS RESERVED

VOICE OF GOD RECORDINGS
P.O. Box 950, JEFFERSONVILLE, INDIANA 47131 U.S.A.
www.branham.org